

ترجمه شده در مرکز مطالعات سورین

WEDNESDAY | 2022 MAY 11



# مثلث روسیه اوکراین و آمریکا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فصل اول

۱۴ روس‌ها از فروپاشی شوروی تا تلاش برای بازیابی قدرت

## فصل دوم

۲۷ نگاهی به موقعیت کشورهای مشترک المنافع

## فصل سوم

۱۴۲ روسیه و اوکراین؛ چنگی مادام برای حفظ قدرت



### مقدمه

تعاملات و تنش‌های بین ایالات متحده و قدرتهای بلوک شرق، یکی از کنجکاوبرانگیزترین مباحث بین افکار عمومی و جریان‌های رسانه‌ای است. از زمان سقوط کمونیسم در سال ۱۹۹۱، روسیه ساختارهای دموکراتیک و سرمایه‌داری را به راحتی پذیرفته است. با وجود این تغییرات، بقایای تاریخ سرد این کشورها باقی مانده و همچنان روابط ایالات متحده و روسیه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بعد از حمله نظامی روسیه به اوکراین، بار دیگر، تنشها بین بلوک غربی و کشور روسیه تشدید شده است. آنچه می‌خوانید بخشی از جریان سازی امروز رسانه‌ها و اتاق فکرهای امریکایی است که در حال بازتعریف روابط امروز آمریکا و روسیه است و شیوه‌های مقابله با تهدیدات پوتین در کشورهای اروپایی است.





# فصل اول

## روس‌ها از فروپاشی شوروی تا تلاش برای بازیابی قدرت

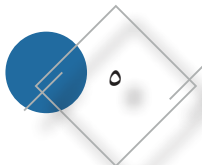




اتفاقات چند سال اخیر و به طور خاص حمله روسیه به اوکراین بار دیگر یک گزاره مشهور را در فضای رسانه‌ای تقویت کرد: اینکه سودای بازگشت به دوران ابرقدرتی شوروی همچنان در افق دید و برنامه‌های مردان روسی است. فارغ از اینکه چقدر این گزاره، به واقعیت نزدیک است؛ یک سوال مهم در مواجهه با اتفاقات اخیر مطرح می‌شود اینکه چه عواملی باعث شد که روسیه پس از گذشت سه دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بار دیگر به فکر نقش آفرینی گسترده و وسیعی در سطح منطقه افتاده است؟ برخی از تحلیلگران استدلال می‌کنند که عوامل ساختاری مانند تاریخ، فرهنگ و جغرافیا عامل سوق یافتن قرن‌های طولانی دولت‌های مسکو و سن پترزبورگ در ایجاد یک امپراطوری جدید است. برخی هم ادعا می‌کنند که در دهه ۹۰ میلادی هیچ پیشرفت دموکراتیکی رخ نداد و تنها چیزی که رخ داده بود فروپاشی یک دولت بود. برخی هم کنشگری امروز روس‌ها در سطح بین‌المللی را متأثر از رفتارهای کشورهای غربی و به خصوص آمریکا می‌دانند. از پنجم دسامبر ۱۹۹۱ به بعد روسای جمهوری ایالات متحده آمریکا بارها با رهبران روسیه ملاقات داشتند. مهم‌ترین مباحث مورد گفت‌وگو کاهش تسلیحات، کمک‌های اقتصادی و اصلاحات سیاسی، دموکراسی و حقوق بشر، امنیت اروپا، حفظ صلح در بوسنی، کوزوو، و خاورمیانه بود. علاوه بر اینها وضعیت چچن نیز از مسایل روز آن دوره به حساب می‌آمد که تا حدودی مورد اختلاف دو طرف بود. روابط آمریکا و روسیه امری است که از جنگ دوم جهانی به این طرف در فراز و نشیب بوده است. این دو کشور که زمانی در خلال جنگ دوم جهانی با هم متحد بودند اکنون درگیر وضعیتی هستند که فراتر از اصطکاک سیاسی، به یک مسابقه تسلیحاتی حرکت می‌کند. آنچه می‌خوانید بازخوانی تاریخی فروپاشی شوروی تا روزهای قدرت یافتن پوتین در روسیه است.

### بخش اول: شوروی؛ روزهای قبل از فروپاشی

در ماه دسامبر ۱۹۹۱، کشوری به نام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت از صحنه جغرافیای سیاسی جهان رخت بر بست و جای خود را به ۱۵ کشور سپرد. با این رویداد، زمین‌لرزه بزرگی در عرصه ژئوپولیتیک جهان به وجود آمد که پس‌لرزه‌های آن هنوز احساس می‌شود. تغییر از جمهوری شورایی به اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع که در فرهنگ عامه از آن با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نام می‌برند، تغییرات عظیم سیاسی و تاریخی بود که از پیامدهای مهم آن، پایان جنگ سرد و آغاز یک





سلسله جنگ‌های خونین در اروپای شرقی مخصوصاً بالکان و جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی، جنگ‌های داخلی مانند جنگ اول چچن بود.

### پارک بلووژسکایا و شروع یک فروپاشی

«بلووژسکایا پوشا» یک پارک جنگلی در مرز بلاروس و لهستان است. در روز ۸ دسامبر سال ۱۹۹۱ در خانه ایالتی نزدیک همین جنگل بلووژسکایا، یک اتفاق مهم تاریخی رقم خورد. رهبران سه کشور روسیه، اوکراین و بلاروس در این منطقه جغرافیایی جمع شدند تا قراردادهای که بعدها تحت عنوان توافق‌نامه‌های بلووژا نامگذاری شد را امضا کنند. این ها رهبران سه جمهوری از چهار جمهوری بودند که معاهده ایجاد اتحاد جماهیر شوروی را در سال ۱۹۲۲ را امضا کرده بودند. بر مبنای این توافق‌نامه‌ها اعلام می‌شد که اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی (اتحادیه شوروی سوسیالیستی) عملاً وجود ندارد و همچنین کشورهای مشترک المنافع مستقل (CIS) را به جای آن به عنوان یک موجودیت جانشین تأسیس کرد.

در مقدمه این سند آمده بود که «اتحاد جماهیر شوروی به عنوان موضوع حقوق بین‌الملل و یک واقعیت ژئوپلیتیکی، موجودیت خود را متوقف می‌کند.» همچنین از جمهوری‌های دیگر دعوت کرد تا به سه عضو مؤسس آن بپیوندند. در حالی که برخی اختلافات بر سر اختیارات رهبران سه جمهوری از ۱۲ جمهوری برای انحلال کل اتحادیه وجود داشت، جمهوری‌های اتحادیه منفرد طبق ماده ۷۲ قانون اساسی ۱۹۷۷ شوروی حق داشتند آزادانه از این اتحادیه جدا شوند. از سال ۱۹۹۰، روند خروج جمهوری‌ها از اتحادیه توسط قانون خاصی تنظیم شد. در روز ۱۰ دسامبر، این موافقتنامه توسط رادای عالی اوکراین و شورای عالی بلاروس تصویب شد. در روز ۱۲ دسامبر، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی روسیه رسماً موافقت‌نامه بلووژ را تصویب کرد، معاهده ۱۹۲۲ در مورد ایجاد اتحاد جماهیر شوروی را محکوم کرد (یعنی از آن خارج شد) و نمایندگان روسی را از شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی فراخواند.

برخی از اعضای پارلمان روسیه قانونی بودن این تصویب را مورد مناقشه قرار دادند، زیرا طبق قانون اساسی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه شوروی در سال ۱۹۷۸، رسیدگی به این سند در صلاحیت انحصاری کنگره نمایندگان خلق جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه شوروی بود. آنچه از دولت فدرال اتحاد جماهیر شوروی باقی مانده بود نیز استدلال



می‌کرد که انحلال، ادعایی غیرقانونی و بی‌اثر بود. میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی این حرکت را اینگونه توصیف کرد: «سرنوشت دولت چند ملیتی را نمی‌توان با اراده رهبران سه جمهوری تعیین کرد. این مسئله باید تنها از طریق قانون اساسی و با مشارکت همه دولت‌های مستقل و با در نظر گرفتن اراده همه شهروندان آن‌ها تصمیم‌گیری شود. این بیانیه که، هنجارهای حقوقی اتحادیه اروپا از بین خواهند رفت، نیز غیرقانونی و خطرناک است. فقط می‌تواند هرج و مرج در جامعه را بدتر کند. عجله‌ای که در صدور این سند بود نیز نگرانی جدی دارد و توسط جمعیت‌ها و توسط شوراهای عالی جمهوری‌هایی که به نام آن‌ها امضا شده بود مورد بحث قرار نگرفت. بدتر از آن، در لحظه‌ای ظاهر شد که پیش‌نویس معاهده اتحادیه کشورهای مستقل، که توسط شورای دولتی اتحاد جماهیر شوروی تهیه شده بود، توسط پارلمان‌های جمهوری‌ها مورد بحث قرار می‌گرفت.»

### امضای پروتکل آلتا و مهرتایید بر انحلال شوروی

این سؤال که آیا توافقنامه بلوژ به خودی خود برای انحلال اتحاد جماهیر شوروی با توافق تنها سه جمهوری کافی بود یا خیر، در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۹۱، زمانی که نمایندگان ۱۱ جمهوری از ۱۲ جمهوری باقیمانده شوروی به جز گرجستان آن را امضا کردند، حل شد. ۱۲ جمهوری باقیمانده شوروی به جز گرجستان، پروتکل آلتا را امضا کردند که هم پایان اتحاد جماهیر شوروی و هم تأسیس سازمان کشورهای مشترک‌المنافع را موجب شد. با توجه به اینکه اکنون ۱۱ جمهوری موافق بودند که اتحاد جماهیر شوروی دیگر وجود ندارد، کثرت جمهوری‌های عضو که برای تداوم مؤثر آن به عنوان یک کشور فدرال لازم بود، دیگر وجود نداشت. امضاکنندگان آلتا نیز به طور موقت استعفای گورباچف را به عنوان رئیس‌جمهور اتحاد جماهیر شوروی پذیرفتند و بر روی چندین اقدام عملی دیگر که منجر به انقراض این اتحادیه می‌شد به توافق رسیدند. گورباچف اظهار داشت که به محض اینکه بدانند کشورهای مشترک‌المنافع واقعیت دارد، استعفا خواهد داد. سه روز بعد، در یک ملاقات مخفیانه با یلتسین، او عمل انجام شده انحلال اتحاد جماهیر شوروی را پذیرفت. اگرچه گورباچف مدت‌ها بود که توانایی تأثیرگذاری بر رویدادهای خارج از مسکو را از دست داده بود، دولت فدرال شوروی برای چهار روز دیگر به حیات خود ادامه داد و گورباچف به کنترل کرملین ادامه داد. این امر در ساعات اولیه روز ۲۵ دسامبر سال ۱۹۹۱ پایان یافت.





زمانی که گورباچف استعفا داد و کنترل کرملین و اختیارات باقیمانده دفتر خود را به دفتر رئیس‌جمهور روسیه، یلتسین سپرد. بلافاصله پس از آن، پرچم اتحاد جماهیر شوروی برای آخرین بار از کاخ بزرگ کرملین پایین آورده شد و پرچم روسیه به جای آن برافراشته شد. در اواخر همان روز، رئیس‌جمهور ایالات متحده، جورج دبلیو بوش، سخنرانی کوتاهی در تلویزیون ملی ایالات متحده برای بزرگداشت پایان جنگ سرد و به رسمیت شناختن استقلال کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی ایراد کرد. همچنین در ۲۵ دسامبر سال ۱۹۹۱، اتحاد جماهیر شوروی روسیه، که اکنون دیگر یک نهاد فرعی اتحاد جماهیر شوروی نیست، بلکه یک کشور مستقل برای خود است، قانونی را تصویب کرد که نام خود را به «فدراسیون روسیه» یا «روسیه» تغییر داد (هر دو به یک اندازه رسمی هستند). با تصویب قانون اساسی روسیه در سال ۱۹۹۳).

سخنرانی گورباچف و همچنین جایگزینی پرچم شوروی با پرچم روسیه، همه در سرتاسر جهان دیده شد و عملاً پایان اتحاد جماهیر شوروی را رقم زد. با این حال، آخرین گام قانونی در انحلال یک روز بعد، زمانی که شورای جمهوری‌ها، مجلس اعلا شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، فروپاشی اتحادیه را به رسمیت شناخت و هم خود و هم اتحادیه را از بین برد، اتفاق افتاد. مجلس سفلی، شورای اتحاد، از ۱۲ دسامبر که روسیه نمایندگان خود را از هر دو مجلس فراخواند، تشکیل جلسه نداده بود و آن را بدون حد نصاب باقی گذاشت. اجلاس سران آلتا نیز در روز ۲۱ دسامبر سال ۱۹۹۱ بیانیه‌ای صادر کرد و از ادعای روسیه برای به رسمیت شناختن کشور جانشین اتحاد جماهیر شوروی برای اهداف عضویت در سازمان ملل حمایت کرد.

در ۲۵ دسامبر سال ۱۹۹۱، رئیس‌جمهور روسیه، یلتسین به خاویر پرز دو کوئلار، دبیر کل سازمان ملل اطلاع داد که اتحاد جماهیر شوروی منحل شده است و روسیه به عنوان کشور جانشین خود، به عضویت اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل ادامه خواهد داد. این سند اعتبار نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی را به عنوان نمایندگان روسیه تأیید می‌کرد و درخواست می‌کرد که نام «اتحاد جماهیر شوروی» به «فدراسیون روسیه» در تمام سوابق و مداخلها تغییر یابد. این اقدامی بود که به روسیه اجازه داد تا کرسی دائمی شورای امنیت اتحاد جماهیر شوروی را حفظ کند، که اگر جمهوری‌های سابق به عنوان جانشین برابر اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته می‌شدند، یا اگر اتحاد جماهیر شوروی بدون جانشین در نظر گرفته می‌شد، امکان‌پذیر نبود. به منظور ادامه عضویت در سازمان ملل



متحد، دبیر کل این درخواست را منتشر کرد و با مخالفتی از سوی هیچ یک از کشورهای عضو مواجه نشد و فدراسیون روسیه کرسی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل را گرفت. در ۳۱ ژانویه سال ۱۹۹۲، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، یلتسین شخصاً به عنوان نماینده روسیه در جلسه شورای امنیت شرکت کرد، و این اولین جلسه شورای امنیت بود که در آن روسیه کرسی دائمی شورای امنیت را که در اصل توسط منشور سازمان ملل به اتحاد جماهیر شوروی اعطا شده بود، اشغال کرد.

### بخش دوم: روزهای بعد از فروپاشی تا امروز

شهروندان روسیه، در روز ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ هرگز انتظار آن را نداشتند که سال جدید میلادی را با رئیس‌جمهوری جدید آغاز کنند؛ اما سرنوشت سیاسی این کشور یک شبه تغییر کرد. بوریس یلتسین، رئیس‌جمهوری که از مجریان فاز نهایی تغییر رژیم و فروپاشی حکومت کمونیستی در روزهای پایانی سال ۱۹۹۱ بود، در جریان ایراد سخنرانی سال جدید استعفای خود را اعلام کرد و گفت: «قدرت را ترک می‌کنم، هر کاری که می‌توانستم انجام داده‌ام.» در شب کریسمس آغاز هزاره جدید، بوریس یلتسین پیر و خسته که به الکلی بودن شهرت داشت، خداحافظی کرد و ولادیمیر پوتین، جوان و پرنرزی، آغاز سال و دوران جدیدی را به مردم روسیه تبریک گفت. در این بخش روزهای بعد از انحلال شوروی و قدرت یافتن روسیه را مرور کردیم.

### انحلال اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۹۱-۱۹۹۹)

با انحلال کمونیسم، در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱، اتحاد جماهیر شوروی از بین رفت و کشورهای مشترک المنافع مستقل، یک انجمن آزاد متشکل از ۱۲ جمهوری شوروی سابق شکل گرفت و سه کشور بالتیک را کنار گذاشتند. جماهیر سوسیالیستی فدراتیو شوروی روسیه به روسیه تبدیل شد. این کشور اکنون یک کشور مستقل بود که عضویت دائمی اتحاد جماهیر شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد را به ارث برد و به کشور جانشین اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شد.

استروب تالبوت، که کارشناس ارشد واشنگتن در مورد امور روسیه بود، درباره ارتباط صمیمی بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا با بوریس یلتسین روسی، رئیس‌جمهور روسیه در فاصله سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۹ نوشته است: «دیپلماسی شخصی بین کلینتون و یلتسین، که توسط کانالی که گور با ویکتور چرنومیردین، نخست‌وزیر یلتسین ایجاد کرد، تقویت



شد، و تفاهم عمده‌ای را به همراه داشت که اختلافات بر سر نقش روسیه در جهان پس از جنگ سرد را حل کرد یا کاهش داد. دو رئیس جمهور از مذاکره کنندگان اصلی توافقات برای توقف فروش قطعات موشکی روسیه به هند بودند؛ موشک‌های هسته‌ای دوران شوروی از اوکراین در ازای تضمین روسیه درباره حاکمیت و امنیت اوکراین حذف شد؛ نیروهای روسیه از کشورهای بالتیک بیرون رفتند؛ همکاری بین روسیه و ناتو رسمی شد؛ زمینه برای پیوستن کشورهای بالتیک به این اتحاد به وجود آمد؛ و از مشارکت ارتش روسیه در حفظ صلح بالکان و دیپلماسی روسیه در حل و فصل جنگ هوایی ناتو علیه صربستان، اطمینان خاطر ایجاد شد.»

### گسترش ناتو در اروپای شرقی و آغاز جدل‌های تازه

اگرچه روابط بین دولت یلتسین و دولت‌های جورج اچ دلبیو بوش (۱۹۸۹-۱۹۹۳) و بیل کلینتون (۱۹۹۳-۲۰۰۱) به خوبی آغاز شد، یلتسین و وزیر امور خارجه‌اش آندری کوزیرف عضویت کامل روسیه در خانواده کشورهای دموکراتیک را در اولویت قرار دادند. آن‌ها می‌خواستند شریک آمریکا باشند. در داخل کشور تلاش کردند تا نهادهای دموکراتیک و یک نظام سرمایه داری بازار آزاد ایجاد کنند. در سال ۱۹۹۳، هر دو کشور معاهده کنترل تسلیحات استارت ۳ را امضا کردند که برای ممنوعیت استفاده از هدف‌گیری مستقل چندگانه در موشک‌های بالستیک قاره‌پیما طراحی شده بود. این معاهده در نهایت توسط هر دو کشور تصویب گردید، اما هرگز اجرا نشد و در سال ۲۰۰۲ و پس از خروج آمریکا از معاهده موشک‌های ضد بالستیک ۱۹۷۲، رسماً کنار گذاشته شد.

واشنگتن انتقال سریع به نظام سرمایه داری لیبرال در روسیه را تشویق کرد. روس‌ها هم آگاه از طرح مارشال در دهه ۱۹۴۰، بر روی مبالغ بسیار بزرگ‌تری حساب کرده بودند. اما خشم واقعی با گسترش سریع عضویت در ناتو در اروپای شرقی شعله‌ور شد. با پایان جنگ سرد، روس‌ها احساس کردند که دیگر به نقش اصلی ناتو نیازی نیست. روسیه با عملیات نظامی ناتو به رهبری آمریکا علیه صربستان و مونته‌نگرو بر سر کوزوو که در مارچ ۱۹۹۹ آغاز شد، مخالفت کرد. در دسامبر ۱۹۹۹، رئیس جمهور یلتسین در سفر به چین، کلینتون را به دلیل انتقاد از تاکتیک‌های روسیه در چین به طور لفظی مورد حمله قرار داد و تاکید کرد که روسیه یک قدرت هسته‌ای باقی مانده است.





### تغییر موضع روسی در فاصله دو تهاجم به افغانستان و عراق

در سال ۲۰۰۱، در پاسخ به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، رئیس جمهور جدید روسیه، ولادیمیر پوتین، از حمایت خود خبر داد. تروریسم علیه روسیه از قبل در دستور کار پوتین قرار داشت و او با حمایت از تهاجم آمریکا و ناتو به افغانستان برای نابودی طالبانی که تروریست‌های القاعده را پناه داده بودند، نقاط مشترکی یافت. با این حال، تا سال ۲۰۰۲، دو کشور اختلافات خود را تشدید کردند. روسیه در امور بین‌الملل قاطع‌تر شد و جورج دبلیو بوش در سیاست خارجی یک مسیر فزاینده یکجانبه در پیش گرفت.

در سال ۲۰۰۲، آمریکا از معاهده موشک‌های ضد بالستیک خارج شد تا برنامه‌های خود را برای سیستم دفاع موشکی پیش ببرد. پوتین این تصمیم را اشتباه خواند. روسیه بدون اعمال وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد، با تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق مخالفت کرد.

### انقلاب‌های رنگین در اروپای شرقی

مسکو گسترش ناتو به بلوک شرق قدیمی و تلاش‌های آمریکا برای دستیابی به نفت و گاز طبیعی آسیای مرکزی را به‌عنوان یک تجاوز بالقوه خصمانه به حوزه نفوذ روسیه در نظر گرفته است. رهبر این کشور مقامات آمریکایی را به تشویق شورش‌های ضد روسیه در جریان انقلاب گل رز در گرجستان در سال ۲۰۰۳ و انقلاب نارنجی در اوکراین در سال ۲۰۰۴ متهم کرد. پوتین شاهد نفوذ در حوزه تاریخی منافع روسیه بود.

روسیه اعلام یکجانبه استقلال کوزوو از صربستان در فوریه ۲۰۰۸ را محکوم کرد و از مأموریت سازمان ملل و نیروهای تحت رهبری ناتو در کوزوو انتظار داشت که اقدامات فوری برای اجرای دستورات خود انجام دهند. رئیس جمهور روسیه، پوتین، به رسمیت شناختن استقلال کوزوو توسط آمریکا و دیگر کشورهای غربی را به‌عنوان یک نمونه وحشتناک توصیف کرد که عملاً کل سیستم روابط بین‌الملل توسعه یافته قرن‌ها را، از بین خواهد برد و به نتایج کاری که انجام می‌دهند فکر نکرده‌اند. در مارچ ۲۰۱۴، روسیه از اعلام استقلال کوزوو به‌عنوان توجیهی برای به رسمیت شناختن استقلال کریمه استفاده کرد.

در اوایل سال ۲۰۰۸، رئیس جمهور جورج دبلیو بوش، علیرغم مخالفت روسیه با گسترش بیشتر ناتو به سمت شرق، وعده حمایت کامل از پذیرش اوکراین و گرجستان در ناتو را داد. معاون وزیر خارجه روسیه، گریگوری کاراسین هشدار داد که هرگونه الحاق اوکراین به ناتو



باعث ایجاد بحران در روابط روسیه و اوکراین می‌شود و همچنین بر روابط مسکو با غرب تأثیر منفی می‌گذارد.

### جنجال بر سر طرح آمریکا برای استقرار موشک در لهستان (۲۰۰۷-۲۰۰۸)

در مارچ ۲۰۰۷، آمریکا از برنامه‌های خود برای ایجاد یک تاسیسات دفاع موشکی ضد بالستیک در لهستان به همراه ایستگاه رادار در جمهوری چک خبر داد. هر دو کشور عضو سابق پیمان ورشو و کمونیسیم و دخالت روسیه را رد کرده بودند. مقامات آمریکایی گفتند که این سیستم برای محافظت از آمریکا و اروپا در برابر حملات احتمالی موشکی هست ای ایران یا کره شمالی طراحی شده است. با این حال، روسیه سیستم جدید را به‌عنوان یک تهدید بالقوه تلقی نمود و در پاسخ، یک موشک بالستیک قاره‌پیمای دوربرد را آزمایش کرد که می‌تواند هر سیستم دفاعی را شکست دهد. پوتین به آمریکا هشدار داد که این تنش‌های جدید می‌تواند اروپا را به انبار باروت تبدیل کند. او در ۳ ژوئن ۲۰۰۷ هشدار داد که اگر آمریکا این سیستم دفاع موشکی را بسازد، روسیه حمله موشکی به لهستان و جمهوری چک را در نظر خواهد گرفت.

در اکتبر ۲۰۰۷، ولادیمیر پوتین از ایران بازدید کرد تا درباره کمک روسیه به برنامه انرژی هسته‌ای ایران گفتگو کند و «اصرار داشت که استفاده از زور غیرقابل قبول است». پوتین برنامه‌های آمریکا برای استقرار یک سامانه دفاع موشکی در نزدیکی مرز روسیه را با استقرار موشک‌هایی در کوبا توسط اتحاد جماهیر شوروی مقایسه کرد.

در فوریه ۲۰۰۸، ولادیمیر پوتین گفت که روسیه ممکن است مجبور شود برخی از موشک‌های خود را به سمت سیستم دفاع موشکی هدف گیری کند. وی همچنین گفت که در صورت پیشبرد طرح ساخت پایگاه‌های ناتو در خاک خود، موشک‌ها ممکن است به سمت اوکراین هدایت شوند و ما مجبور خواهیم شد آن‌ها را به سمت تأسیساتی که تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌دانیم، هدف گیری کنیم.

در جولای ۲۰۰۸، روسیه اعلام کرد که اگر سپر ضد موشکی آمریکا در نزدیکی مرز روسیه مستقر شود، باید واکنش نظامی نشان دهد. در بیانیه وزارت امور خارجه روسیه آمده است: «اگر سپر ضد موشکی استراتژیک آمریکا در نزدیکی مرزهای ما مستقر شود، ما مجبور خواهیم شد که با ابزارهای نظامی-فنی واکنش نشان دهیم». بعداً، ویتالی چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل متحد گفت که «بزار فنی - نظامی» به معنای اقدام نظامی نیست،



بلکه به احتمال زیاد تغییر در موضع استراتژیک روسیه، شاید با استقرار مجدد موشک‌های خود است.

در ۱۴ آگوست ۲۰۰۸، آمریکا و لهستان توافق کردند که ۱۰ موشک رهگیر دو مرحله‌ای به‌عنوان بخشی از سپر موشکی برای دفاع از اروپا و آمریکا در برابر حمله احتمالی ایران قرار دهند. در مقابل، آمریکا با انتقال یک باتری از موشک‌های پاتریوت به لهستان موافقت کرد. باتری موشک قرار بود - حداقل به طور موقت - توسط پرسنل نظامی آمریکا تامین شود. آمریکا همچنین متعهد شد که از لهستان، عضو ناتو، در صورت حمله دفاع کند. علاوه بر این، جمهوری چک اخیراً با اجازه استقرار ایستگاه ردیابی راداری در کشور، موافقت کرد. گرچه نظرسنجی‌های عمومی مخالفت اکثریت چک‌ها با این طرح را نشان می‌دهد و تنها ۱۸ درصد از آن حمایت می‌کنند. ایستگاه ردیابی راداری در جمهوری چک نیز بخشی از سپر دفاع موشکی خواهد بود. پس از اعلام این توافق، مقامات روسی گفتند که دفاع در مرزهای روسیه افزایش خواهد یافت و آن‌ها آسیب‌هایی را در روابط دوجانبه با آمریکا پیش بینی کردند.

در نوامبر ۲۰۰۸، یک روز پس از انتخاب اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور، دمیتری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه در اولین سخنرانی سالانه خود در مجلس فدرال روسیه اعلام کرد که در صورت خروج آمریکا، قصد دارد موشک‌های کوتاه برد اسکندر را در کالینینگراد، نزدیک مرز با لهستان مستقر کند.

### درگیری روسیه و گرجستان (آگوست ۲۰۰۸)

در آگوست ۲۰۰۸، زمانی که روسیه و گرجستان بر سر جمهوری‌های خودخوانده اوستیای جنوبی و آبخازیا تحت حمایت روسیه با یکدیگر جنگیدند، روابط دوجانبه آمریکا و روسیه تیره‌تر شد. جورج بوش به روسیه گفت: «فلدری و اراغب، راه‌های قابل قبولی برای اجرای سیاست خارجی در قرن بیست و یکم نیست.»

### بازنشانی در زمان اوباما و مدودف (۲۰۰۹-۲۰۱۱)

علیرغم تیره شدن روابط آمریکا و روسیه در دوره بوش، رئیس‌جمهور روسیه دمیتری مدودف و باراک اوباما در اجلاس گروه ۲۰ در لندن در سال ۲۰۰۹ لحنی صمیمی داشتند و بیانیه مشترکی منتشر کردند که نوید شروعی تازه در روابط روسیه و آمریکا را داد. در این



بیانیه همچنین از ایران خواسته شده که برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد و به بازرسان خارجی اجازه ورود به کشور بدهد.

در اوایل جولای ۲۰۰۹، اوباما از مسکو بازدید و در آنجا با رئیس جمهور مدودف و نخست وزیر پوتین دیدار کرد. اوباما در یک گردهمایی بزرگ گفت: «آمریکا خواهان یک روسیه قوی، صلح آمیز و مرفه است. این اعتقاد ریشه در احترام ما به مردم روسیه و تاریخ مشترک بین ملت‌های ما دارد که فراتر از رقابت است.» چند روز پس از سفر اوباما به مسکو، جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا، به یک روزنامه‌ی آمریکایی گفت که روسیه با کاهش پایگاه جمعیتی خود و اقتصاد مخرب باید به غرب در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ملی کمک کند.

سخنان بایدن که اندکی پس از سفر وی به اوکراین و گرجستان منتشر شد، توسط جورج فریدمن از استراتفور به‌عنوان «تأیید مجدد تعهد آمریکا به این اصل که روسیه حق داشتن حوزه نفوذ در این کشورها یا هیچ‌کجای دیگر در اتحاد جماهیر شوروی را ندارد» تفسیر شد.

در مارچ ۲۰۱۰، آمریکا و روسیه به توافقی برای کاهش ذخایر سلاح‌های هسته‌ای خود دست یافتند. معاهده جدید کاهش تسلیحات هسته‌ای (به نام استارت جدید) توسط اوباما و مدودف در ۸ آوریل ۲۰۱۰ امضا شد.

جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا در مارچ ۲۰۱۱ در سفر به مسکو، حمایت واشنگتن از پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی را اعلام کرد؛ او همچنین با رهبران برجسته حقوق بشر و مخالفان روسیه ملاقاتی داشت که بنا بر گزارش‌ها در این گردهمایی گفت که اگر پوتین در سال ۲۰۱۲ نامزد انتخابات نشود، برای روسیه بهتر خواهد بود.

مداخله نظامی سال ۲۰۱۱ در لیبی موج گسترده‌ای از انتقادات را از سوی چندین رهبر جهان، از جمله مدودف، رئیس جمهور روسیه و نخست وزیر روسیه پوتین، به همراه داشت که گفتند قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد ناقص است.

در آغاز تظاهرات گسترده‌ای که پس از انتخابات پارلمانی روسیه در اوایل دسامبر ۲۰۱۱ در روسیه آغاز شد، نخست‌وزیر، ولادیمیر پوتین، آمریکا را به مداخله و تحریک ناآرامی متهم کرد، و گفت که هیلاری کلینتون، به چندین بازیگر در کشور ما، سیگنال ارسال کرده است؛ اظهارات او به‌عنوان نشانه‌ای از شکست در تلاش دولت اوباما برای «بازنشانی» روابط تلقی می‌شود.



تا سال ۲۰۱۲، واضح بود که بازنشانی واقعی هرگز اتفاق نیفتاد و روابط تیره باقی ماند. عوامل آن در غرب شامل بی اعتمادی و ترس سنتی، دور شدن فزاینده از دموکراسی توسط روسیه، و تقاضا در اروپای شرقی برای ادغام سیاسی، اقتصادی و نظامی نزدیکتر با غرب بود.

### افزایش تنش در دوره سوم پوتین (۲۰۱۵-۲۰۱۲)

در اواسط سپتامبر ۲۰۱۳، آمریکا و روسیه قراردادی منعقد کردند که به موجب آن تسلیحات شیمیایی سوریه تحت کنترل بین‌المللی قرار می‌گرفت و در نهایت نابود می‌شد. باراک اوباما از توافق استقبال کرد که اندکی پس از آن در قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد گنجانده شد. دولت اوباما به دلیل استفاده از قرارداد تسلیحات شیمیایی به‌عنوان جایگزینی بی اثر برای اقدام نظامی مورد انتقاد قرار گرفت. از نظر جورج رابرتسون و همچنین بسیاری دیگر، شکست اوباما در پیروی از «خط قرمز» خود در سال ۲۰۱۳ و اقدام نظامی وعده داده شده به اعتبار او و آمریکا نزد پوتین و دیگر رهبران جهان لطمه زد. اوباما از نقش روسیه در تضمین توافق برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران که در جولای ۲۰۱۵ به دست آمد، و شخصاً از پوتین تشکر کرد.

در ماه می ۲۰۱۲، ژنرال روسی نیکولای یگورویچ ماکاروف گفت که احتمال حمله پیشگیرانه به سایت‌های دفاع موشکی در شرق اروپا وجود دارد تا به آمریکا در مورد خواسته‌های روسیه فشار وارد شود.

در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، قانون ماگنیتسکی را به امضا رساند که «محدودیت‌های سفر و مالی آمریکا را برای ناقضان حقوق بشر در روسیه تحمیل کرد.» در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، لایحه‌ای را امضا کرد که به طور گسترده به عنوان تلافی شناخته می‌شود، و طبق آن هر شهروند آمریکا را از فرزندخواندگی کودکان روسیه منع می‌کند.

### ماجرای ادوارد اسنودن (۲۰۱۳)

ادوارد اسنودن، پیمانکار دولت آمریکا، صدها هزار صفحه از اسناد محرمانه دولت آمریکا را کپی و منتشر کرد. او به‌هنگ کنگ و سپس به روسیه گریخت و در جولای ۲۰۱۳ به او پناهندگی سیاسی اعطا شد. او به دلیل سرقت اموال دولتی و جاسوسی از سوی دادستان‌های آمریکا تحت تعقیب کیفری قرار داشت.





اعطای پناهندگی روابط بین دو کشور را تشدید کرد و منجر به لغو دیدار اوباما و پوتین شد که قرار بود در اوایل سپتامبر ۲۰۱۳ در مسکو برگزار شود. اسنودن از فوریه ۲۰۲۲ در روسیه باقی می ماند.

### الحاق کریمه به روسیه (۲۰۱۴)

پس از فروپاشی دولت ویکتور یانوکویچ در اوکراین در فوریه ۲۰۱۴، روسیه کریمه را بر اساس یک همه پرسی جنجالی در ۱۶ مارچ ۲۰۱۴ ضمیمه کرد. آمریکا قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را ارائه کرده بود که همه پرسی را غیرقانونی اعلام می کرد. روسیه در ۱۵ مارچ با رای ممتنع چین و رای دادن ۱۳ عضو دیگر شورای امنیت به این قطعنامه توسط روسیه و تو شد. در سال ۲۰۱۶، در دادگاهی در مسکو، مقامات ارشد سابق اوکراین در دولت یانوکویچ شهادت دادند که به نظر آن‌ها، فروپاشی دولت یک کودتا بود که توسط دولت آمریکا سازماندهی و حمایت شد.

جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در اوایل مارچ ۲۰۱۴ در پاسخ به سوالات مطبوعات در مورد تحرکات روسیه در کریمه گفت: «این یک اقدام تجاوزکارانه است که کاملاً جعل شده است. این رفتاری قدیمی و متعلق به قرن ۱۹ در قرن بیست و یکم است.» در ۲۴ مارچ ۲۰۱۴، آمریکا و متحدانش در مجمع سیاسی گروه هشت عضویت روسیه در آن را به حالت تعلیق درآوردند. این تصمیم توسط روسیه بی اهمیت تلقی شد.

در پایان مارچ ۲۰۱۴، رئیس جمهور آمریکا، اوباما، هرگونه مداخله نظامی غرب در اوکراین را رد و اعتراف کرد که الحاق کریمه به روسیه قابل برگشت نیست. با این حال، او روسیه را به عنوان یک «قدرت منطقه ای» در نظر نگرفت زیرا تهدید امنیتی عمده ای برای آمریکا محسوب نمی شود.

در نوامبر ۲۰۱۶، رئیس کمیسیون اروپا، ژان کلود یونکر، در مورد بیانیه اوباما گفت: «ما باید در مورد روسیه به مطالعه بپردازیم، در حال حاضر هیچ چیز درباره آن نمی دانیم. دوست دارم گفتگوهایی با مسکو داشته باشم. همان طور که اوباما گفت، روسیه «یک قدرت منطقه ای» نیست.

با گسترش ناآرامی ها در شرق اوکراین در بهار ۲۰۱۴، روابط بین آمریکا و روسیه بدتر شد. دولت آمریکا تحریم های تنبیهی را برای فعالیت روسیه در اوکراین وضع کرد. پس از یک دوره تحریم که توسط اوباما در جولای ۲۰۱۴ اعلام شد و شرکت های بزرگ انرژی، مالی



و دفاعی روسیه را هدف قرار داد، روسیه گفت که این تحریم ها به طور جدی به روابط دوجانبه آسیب می رساند و آنها را به دوران جنگ سرد دهه ۱۹۸۰ باز می گرداند. از مارچ ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، ۶ دور تحریم از سوی آمریکا و همچنین اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر متحد اعمال شد. روسیه با ممنوعیت واردات برخی از محصولات غذایی و همچنین ورود مقامات دولتی از کشورهای تحریم کننده واکنش نشان داد. قانون حمایت از آزادی اوکراین در سال ۲۰۱۴ توسط آمریکا تصویب شد که هدف آن محروم کردن برخی از شرکت های دولتی روسیه از تأمین مالی و فناوری غربی و همچنین ارائه ۳۵۰ میلیون دلار تسلیحات و تجهیزات نظامی به اوکراین بود. با توجه به وضعیت اوکراین، روابط بین روسیه و آمریکا در سال ۲۰۱۴ در بدترین حالت خود از زمان پایان جنگ سرد قرار داشت. جو بایدن به عنوان معاون رئیس جمهور از دولت اوکراین خواست تا اتکالی ملت به واردات گاز طبیعی روسیه را کاهش دهد و واسطه های طرفدار روسیه مانند دیمیتری فیرتاش را از صنعت گاز طبیعی کشور حذف کند.

### مداخله نظامی روسیه در جنگ داخلی سوریه (از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵)

اندکی پس از آغاز جنگ داخلی سوریه در بهار ۲۰۱۱، آمریکا تحریم هایی را علیه دولت سوریه اعمال کرد و از بشار اسد، رئیس جمهور این کشور خواست استعفا دهد. در همین حال، روسیه، متحد دیرینه سوریه، حمایت خود را از دولت سوریه در برابر شورشیان مورد حمایت آمریکا و متحدان منطقه ای آن ادامه داد و افزایش داد. در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، روسیه عملیات هوایی در سوریه را در کنار دولت آن به ریاست بشار اسد، آغاز کرد. بر اساس بیانیه سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در اواسط اکتبر ۲۰۱۵، روسیه از آمریکا دعوت کرده بود تا به مرکز اطلاعاتی مستقر در بغداد که توسط ایران، عراق، سوریه و روسیه برای هماهنگی تلاش های نظامی خود راه اندازی شده بود بپیوندد، اما او پاسخ «غیر سازنده» دریافت کرد. پیشنهاد پوتین مبنی بر پذیرش یک هیئت بلندپایه روسی توسط آمریکا و ورود یک هیئت آمریکایی به مسکو برای گفتگو در مورد همکاری در سوریه نیز توسط آمریکا رد شد. در اوایل اکتبر ۲۰۱۵، رئیس جمهور آمریکا، اوباما، روشی را که روسیه در حال انجام کارزار نظامی خود در سوریه بود، فاجعه بار خواند؛ مقامات ارشد نظامی آمریکا همکاری نظامی با



روسیه در سوریه را رد کردند. اشتون کارتر، وزیر دفاع و دیگر مقامات ارشد آمریکا گفتند که کمپین روسیه در درجه اول با هدف حمایت از اسد است که باراک اوباما، بارها از او خواسته بود تا قدرت را ترک کند.

طبق گزارش کرملین از این رویداد، سه هفته پس از کمپین روسیه در سوریه، در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵، رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین در مسکو با بشار اسد ملاقات کرد تا در مورد کمپین نظامی مشترک آنها و حل و فصل سیاسی آینده در سوریه گفتگو کنند. این جلسه محکومیت شدید کاخ سفید را برانگیخت.

در حالی که ممکن است یکی از اهداف اصلی روسیه عادی سازی روابط با آمریکا و غرب باشد، وضعیت حاصل در سوریه در اکتبر ۲۰۱۵ یک جنگ نیابتی بین روسیه و آمریکا است. دو دور مذاکرات صلح سوریه که در اکتبر و نوامبر ۲۰۱۵ در وین و با حضور ایران برای اولین بار برگزار شد، بار دیگر بر اختلاف عمیق در مورد حل و فصل سوریه بین آمریکا و روسیه، تاکید کرد. پس از مذاکرات در وین، دیدار دوجانبه اوباما و پوتین در حاشیه اجلاس سران گروه ۲۰ در ترکیه برگزار و در جریان آن اجماع مشخصی بین رهبران دو کشور درباره سوریه حاصل شد.

مذاکرات دوجانبه بر سر سوریه در ۳ اکتبر ۲۰۱۶ توسط آمریکا به طور یکجانبه به حالت تعلیق درآمد که به عنوان واکنش دولت به حمله مجدد به حلب توسط نیروهای سوریه و روسیه ارائه شد.

در اواسط اکتبر ۲۰۱۶، ویتالی چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل، با اشاره به وضعیت بین‌المللی در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، گفت که تنش‌ها با آمریکا احتمالاً بدترین نوع آن از سال ۱۹۷۳ است. پس از دو دور مذاکرات بی‌ثمر درباره سوریه در لوزان و لندن، وزرای خارجه آمریکا و انگلیس گفتند که تحریم‌ها بیشتر علیه روسیه و سوریه قریب‌الوقوع است، مگر اینکه روسیه و «دولت اسد» عملیات هوایی خود را در حلب متوقف کنند.

### انتخاب دونالد ترامپ و دخالت روسیه

در اواسط نوامبر ۲۰۱۶، اندکی پس از انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا، کرملین دولت باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا را به تلاش برای آسیب رساندن به روابط آمریکا با روسیه متهم کرد، تا حدی که عادی سازی آن را برای دولت آینده، ترامپ غیرممکن کند.



پوتین در سخنرانی خود در پارلمان روسیه در ۱ دسامبر ۲۰۱۶ در مورد روابط آمریکا و روسیه گفت: «ما نسبت به همکاری با دولت جدید آمریکا آمادگی داریم. عادی سازی و شروع توسعه روابط دوجانبه به طور مساوی میم است. تلاش های متقابل روسیه و آمریکا در حل مشکلات جهانی و منطقه ای به نفع کل جهان است.»

در اوایل دسامبر ۲۰۱۶، کاخ سفید گفت که اوپاما به سازمان های اطلاعاتی دستور داده است تا شواهد مربوط به دخالت روسیه در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۱۶ را بررسی کنند. اریک شولتز، معاون دبیر مطبوعاتی کاخ سفید، این بررسی را رد کرد. همزمان، مطبوعات آمریکا گزارش هایی را با اشاره به مقامات ارشد دولت منتشر کردند مبنی بر اینکه آژانس های اطلاعاتی آمریکا، به ویژه سیا، با «اطمینان بالا» به این نتیجه رسیده اند که روسیه در مراحل آخر مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری مخفیانه عمل کرده است تا به شانس هیلاری کلینتون آسیب برساند و دونالد ترامپ را تبلیغ کند. ترامپ، رئیس جمهور منتخب، ارزیابی سیا مبنی بر اینکه روسیه در پشت تلاش های هکرها برای تغییر کمپین به نفع او قرار دارد را رد کرد و آن را «مضحک» خواند.

در اواسط دسامبر ۲۰۱۶، هیلاری کلینتون پیشنهاد کرد که پوتین به دلیل انتقاد از انتخابات قانونگذاری روسیه در سال ۲۰۱۱ و عقیده او مبنی بر اینکه او مسئول دامن زدن به اعتراضات ضد پوتین در روسیه است که در دسامبر ۲۰۱۱ آغاز شد، کینه شخصی نسبت به او دارد. او تا حدی باخت خود را در انتخابات ۲۰۱۶ به دخالت روسیه سازماندهی شده توسط پوتین نسبت داد. ریچارد لوری در میان مشاوران سیاست گذاری انتخابات ریاست جمهوری او در روسیه بود.

همچنین در اواسط دسامبر، اوپاما علناً متعهد شد که حملات سایبری روسیه را در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تلافی کند تا پیام روشنی برای روسیه باشد. با این حال، مطبوعات گزارش دادند که گزینه های عملی او محدود بودند و بسیاری از آنها به عنوان بی اثر یا بسیار پرخطر رد شدند.

قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶ توسط اوپاما امضا شد، توسط وزارت خارجه روسیه به عنوان تلاش دیگری برای مشکلاتی برای دولت آینده ترامپ و پیچیده کردن روابط آن در صحنه بین المللی مورد انتقاد قرار گرفت.

در پایان سال ۲۰۱۶، دونالد ترامپ، پوتین را به دلیل اخراج نکردن دیپلمات های آمریکایی در واکنش به اخراج ۳۵ دیپلمات روسی توسط واشنگتن و همچنین سایر اقدامات تنبیهی



دولت اوپاما تحسین کرد.

یک هفته پس از تحلیل ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، او یک گفتگوی تلفنی ۵۰ دقیقه‌ای با ولادیمیر پوتین داشت که از سوی هر دو دولت به عنوان گامی در جهت بهبود روابط بین آمریکا و روسیه مورد استقبال قرار گرفت. رؤسای جمهور موافقت کردند که ملاقاتی رو در رو برای تاریخ بعدی ترتیب دهند.

در اوایل مارچ ۲۰۱۷، ارتش آمریکا برای اولین بار علنا روسیه را به استقرار یک موشک کروز مستقر در زمین متهم کرد که به گفته آنها «روح و نیت» پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد ۱۹۸۷ را نقض می‌کند و تهدیدی برای ناتو بود.

در ۲۵ مارچ ۲۰۱۷، آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه هشت شرکت روسی در ارتباط با قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران، کره شمالی و سوریه اعمال کرد.

حملات موشکی کروز به پایگاه هوایی الشعیرات سوریه که توسط آمریکا در ۷ آوریل ۲۰۱۷ در پاسخ به حمله شیمیایی خان شیخون انجام شد، توسط روسیه به عنوان یک «اقدام تجاوزکارانه» محکوم شد. و بر اساس یک بهانه ساختگی بود که به طور قابل توجهی روابط روسیه و آمریکا را مختل کرد. دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه گفت این حمله آمریکا را در آستانه جنگ با روسیه قرار داده است. هم دونالد ترامپ در ماه آوریل و هم دولت روسیه در ماه می روابط بین کشورها را منجمد و فاقد هرگونه پیشرفت توصیف کردند.

در آوریل ۲۰۱۷، دولت ترامپ درخواست اکسون موبیل برای اجازه دادن به آن برای از سرگیری حفاری نفت در روسیه را رد کرد. در جولای ۲۰۱۷، اکسون موبیل شکایتی علیه دولت آمریکا تنظیم نمود و به این نتیجه رسید که این شرکت تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه را نقض کرده است.

در ۱۰ می ۲۰۱۷، ترامپ با سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و سرگئی کیسلیاک، سفیر روسیه در آمریکا، ملاقاتی ناگهانی داشت. به گفته مقامات دولتی فعلی و سابق، وی در این جلسه اطلاعات بسیار محرمانه را فاش و جزئیاتی را ارائه کرد که می‌توانست برای استنباط منبع اطلاعات و نحوه جمع‌آوری آن استفاده شود. اگرچه این افشاگری غیرقانونی نبود، اما به دلیل خطر احتمالی برای منبع، مورد انتقاد گسترده قرار گرفت.

در ۶ جولای ۲۰۱۷، ترامپ طی یک سخنرانی در ورشو، لهستان، از روسیه خواست حمایت خود از دولت‌های متخاصم در سوریه و ایران را متوقف کند. او در ۷ جولای ۲۰۱۷ در اجلاس سران گروه ۲۰ هامبورگ در آلمان با پوتین دیدار و آن را یک افتخار توصیف کرد.



در اواسط جولای ۲۰۱۷، وزارت خارجه روسیه خاطر نشان کرد که کارکنان سفارت آمریکا در مسکو، پس از اخراج دیپلمات‌ها توسط دولت اوباما در دسامبر ۲۰۱۶، بسیار بیشتر از تعداد کارمندان سفارت روسیه در واشنگتن بوده است. در ۲۸ جولای، روسیه اقدامات تنبیهی را اعلام کرد که پاسخی به تحریم‌های اضافی و مدون علیه مسکو بود. روسیه از آمریکا خواست که پرسنل دیپلماتیک و فنی خود در سفارت مسکو و کنسولگری‌های آن در سن پترزبورگ، اکاترینینبورگ و ولادی وستوک را تا اول سپتامبر به چهارصد و پنجاه و پنج نفر کاهش دهد - همان تعداد دیپلمات‌های روسی که در آمریکا مستقر شده اند. دولت روسیه همچنین استفاده از یک مجتمع عقب نشینی و یک انبار ذخیره سازی در مسکو که توسط آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد را تا اول آگوست به حالت تعلیق در می‌آورد. دو روز بعد، ولادیمیر پوتین گفت که تصمیم در مورد محدود کردن پرسنل دیپلماتیک آمریکا شخصاً توسط او گرفته شده است و ۷۵۵ کارمند باید به کار خود در روسیه پایان دهند. پس از امضای لایحه تحریم در ۲ آگوست توسط دونالد ترامپ، دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه نوشت که این قانون به امید بهبود روابط آمریکا و روسیه پایان داده و به معنای «جنگ تجاری همه‌جانبه با روسیه» است. این قانون همچنین توسط دونالد ترامپ مورد انتقاد قرار گرفت و بیانیه امضای وی نشان داد که ممکن است تصمیم بگیرد برخی از مقررات قانونی را که خلاف قانون اساسی تشخیص داده اجرا نکند.

در نوامبر ۲۰۱۷، ترامپ و پوتین هر دو در نشست همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در دانانگ شرکت کردند. اگرچه آنها هیچ ملاقات رسمی نداشتند، اما چندین بار در طول مراسم به طور غیر رسمی صحبت کردند.

در پایان سال ۲۰۱۷، سی‌ان‌ان به این نتیجه رسید که مجموعه‌ای از اقداماتی که دولت ترامپ در یک هفته قبل از کریسمس انجام داده است، مانند نامیدن روسیه به عنوان «قدرت رقیب» و «قدرت تجدیدنظر طلب» (همراه با چین)، اعمال تحریم‌ها علیه رمضان قدیروف، یکی از متحدان نزدیک پوتین، تصمیم به ارائه تسلیحات ضد تانک به اوکراین، همراه با موضع تندتر وزارت امور خارجه درباره فعالیت‌های مسکو در شرق اوکراین و اتهامات پنتاگون مبنی بر اینکه روسیه عمداً توافق‌نامه‌های خلع سلاح در سوریه را نقض می‌کند، بر رویگردانی قاطعانه از روابط گرمتر و همکاری بیشتر با روسیه که دونالد ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود و اوایل ریاست جمهوری خواستار آن بود، تاکید ورزیده است.



### آغاز دوره چهارم پوتین (۲۰۲۰-۲۰۱۸)

بازدید غیرمعمول از واشنگتن دی سی در پایان ژانویه ۲۰۱۸ توسط مدیران سه سازمان اطلاعاتی و امنیتی اصلی روسیه که دو نفر از آنها در فهرست تحریم ها آمریکا قرار داشتند و ملاقات های گزارش شده آن ها با مقامات ارشد امنیتی باعث ایجاد جنجال سیاسی در آمریکا شد، هیچ اظهار نظر رسمی در روسیه به همراه نداشت.

اظهارات عمومی خوانده شده توسط ولادیمیر پوتین در ۱ مارچ ۲۰۱۸، چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری، در مورد پیشرفت های فناوری موشکی روسیه، توسط مقامات دولت ترامپ نادرست خوانده شد.

جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا، خاطرنشان کرد که سیستم هایی که پوتین درباره آن صحبت کرده بود موازنه نظامی را تغییر نمی داد. با این وجود، بعداً نقل شد که ادعاهای پوتین ترامپ را آزرده خاطر کرده است و باعث شد او در پشت صحنه لحن تندتری در مقابل ولادیمیر پوتین اتخاذ کند.

در ۲۶ مارچ ۲۰۱۸، پیرو توصیه شورای امنیت ملی آمریکا، برای نشان دادن حمایت آمریکا از موضع بریتانیا در مورد حادثه مسمومیت سالزبری، دونالد ترامپ دستور اخراج ۶۰ دیپلمات روسی و بسته شدن کنسولگری روسیه در سیاتل را صادر کرد. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه به اخراج همزمان ۱۴۰ دیپلمات روسی توسط ۲۵ کشور با متهم کردن دولت آمریکا به «باج خواهی» از سایر کشورها پاسخ داد.

در آوریل ۲۰۱۸، پس از حمله شیمیایی مشکوک به دوما در ۷ آوریل، روابط آمریکا و روسیه با حملات موشکی علیه اهداف دولت سوریه تشدید شد. این کشورها به صورت دیپلماتیک درگیر شدند و مقامات ارشد نظامی روسیه تهدید کردند که در صورت حمله گسترده به رهبری آمریکا علیه سوریه، به اهداف نظامی آمریکا حمله خواهند کرد. در اواخر ماه می، بشار اسد، رئیس جمهور سوریه در مصاحبه ای گفت که درگیری نظامی مستقیم بین نیروهای روسی و نیروهای آمریکایی در سوریه در ماه آوریل «با خرد رهبری روسیه» جلوگیری شد و اگر مداخله روسیه نبود، حمله موشکی به سوریه بسیار گسترده تر بود. در ۸ ژوئن ۲۰۱۸، ترامپ خواستار پذیرش مجدد روسیه در گروه هفت شد که پس از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ از آن بیرون آمده بود.

اظهارات علنی ترامپ در اولین دیدار رسمی خود با پوتین در هلسینکی در ۱۶ جولای



۲۰۱۸، انتقاد اعضای دموکرات کنگره آمریکا و تعدادی از مقامات ارشد اطلاعاتی سابق و همچنین برخی از اعضای بلندپایه حزب جمهوری خواه را در پی داشت که به نظر می رسد به جای پذیرش مداخله روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ که توسط جامعه اطلاعاتی آمریکا منتشر شد، از پوتین جانبداری کرده‌اند. سناتور جمهوریخواه، جان مک کین کنفرانس مطبوعاتی را یکی از ننگین ترین عملکردهای رئیس جمهور آمریکا خواند. مطبوعات در سراسر جهان نشریاتی را منتشر کردند که تمایل داشتند کنفرانس خبری پس از نشست دو ساعته روسای جمهور را ارزیابی کنند. رویدادی که ترامپ در آن ضعف خود را به نمایش گذاشت.

در دسامبر ۲۰۱۹، دولت ترامپ تحریم های را بر مشاغل مرتبط با ساخت خط لوله گاز طبیعی نورد استریم ۲ از روسیه به آلمان اعمال کرد، زیرا آمریکا به دنبال فروش بیشتر گاز طبیعی مایع خود به کشورهای اروپایی بود. اولاف شولز، وزیر دارایی آلمان، تحریمها را «مداخله شدید در امور داخلی آلمان و اروپا» خواند، در حالی که سخنگوی اتحادیه اروپا از «اعمال تحریمها علیه شرکتهای اتحادیه اروپا که تجارت قانونی انجام می دهند» انتقاد کرد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز از تحریمها انتقاد کرد و گفت که کنگره آمریکا به معنای واقعی کلمه متمایل به انجام هر کاری برای از بین بردن روابط آمریکا و روسیه است.

گزارش ژوئن ۲۰۲۰ نیویورک تایمز، و به نقل از منابع ناشناس، اظهار داشت که مقامات اطلاعاتی آمریکا ارزیابی کردند که واحد ۲۹۱۵۵ اطلاعات نظامی روسیه بر برنامه تشویقی شبهه نظامیان مرتبط با طالبان برای کشتن نیروهای خارجی، از جمله آمریکایی ها، در افغانستان در سال ۲۰۱۹ نظارت داشته است. بر اساس گزارشها، برنامه تشویقی منجر به کشته شدن «چند» سرباز آمریکایی شد، اما رهبران ارشد پنتاگون گفتند که طرح تشویقی روسیه تایید نشده است. طالبان و روسیه هر دو وجود این طرح را رد کرده اند. جان رتکلیف، مدیر اطلاعات ملی آمریکا گفت که ترامپ در مورد برنامه تشویقی اطلاعاتی دریافت نکرده است. کایلی مک انانی، سخنگوی کاخ سفید نیز همین را گفت. مارک اسپر، وزیر دفاع آمریکا گفت که ژنرال کنت مک کنزی، فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا، و ژنرال اسکات میلر، فرمانده ارشد نظامی آمریکا در افغانستان، فکر می کنند که این گزارشها معتبر نیستند.

در ۱ جولای ۲۰۲۰، به دنبال گزارش های رسانه ای مبنی بر مشارکت طالبان در





برنامه تشویقی روسیه، کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا با اکثریت قاطع به اصلاحیه ای رای داد تا توانایی ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را محدود کند.

در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰، بمب افکن های B-۵۲ نیروی هوایی آمریکا یک حمله ساختگی را در کالینینگراد، انجام دادند. حمله شبیه سازی شده، یک مورد آزمایشی برای انهدام سامانه های دفاع هوایی روسیه واقع در این منطقه بود.

### تأثیر محسوس پوتین بر ترامپ

رئیس جمهور دونالد ترامپ در مورد کریمه، سوریه، اوکراین، کره شمالی، ونزوئلا، مداخله در انتخابات، مسمومیت اسکریپال، و حفاری نفت در روسیه، اظهارات موافق و مخالف علیه روسیه بیان کرد. در طول دوران ریاست جمهوری او، تئوری های توطئه در مورد تبانی بین تیم ستاد انتخاباتی دونالد ترامپ و دولت روسیه مطرح شد.

استیل پرونده ادعا می کرد که روس ها کمپروماتی در مورد ترامپ دارند که می توان از آن برای باج گیری او استفاده نمود و کرملین به او قول داده بود که تا زمانی که به همکاری خود با آن ها ادامه دهد، از این کمپرومات استفاده نخواهد شد. اقدامات ترامپ در اجلاس هلسینکی در سال ۲۰۱۸ باعث شد بسیاری به این نتیجه برسند که گزارش استیل دقیق تر از این ها بود. ترامپ به دلیل ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا مبنی بر اینکه مسکو حمله همه جانبه ای به انتخابات ۲۰۱۶ انجام داده، در کنار روس ها قرار گرفت. کنفرانس خبری مشترک، ترس را در میان برخی به وجود آورد، مبنی بر اینکه ترامپ توسط پوتین، هدایت شده و واکنش های دو حزبی را برانگیخت.

در کنفرانس خبری مشترک، وقتی از پوتین مستقیماً در مورد این موضوع سؤال شد، او هرگونه اختلاف نظر با ترامپ را رد کرد. اگرچه گزارش شده است که ترامپ هدیه ای از سوی پوتین دریافت کرده است، اما پوتین گفت که حتی از حضور ترامپ در روسیه در سال ۲۰۱۳ مطلع نبوده است.

در واکنش به اقدامات ترامپ در اجلاس، سناتور چاک شومر در مجلس سنا سخنرانی کرد: میلیون ها آمریکایی همچنان به این فکر می کنند که پوتین اطلاعات مخربی درباره رئیس جمهور ترامپ در اختیار دارد و این تنها توضیح ممکن برای این رفتار خطرناک است. چندین کارمند و وکیل در جامعه اطلاعاتی آمریکا به عملکرد ترامپ در این نشست واکنش



نشان دادند. آنها آن را «تحت فرمان پوتین» و «دفاع پرشور از تهاجم نظامی و سایبری روسیه در سراسر جهان و نقض قوانین بین‌المللی در اوکراین» توصیف کردند که آن را «مضر برای منافع آمریکا» می‌دانستند. آنها همچنین گفتند که او به‌عنوان دارایی روسیه یا یک احمق مفید برای پوتین در نظر گرفته می‌شود. و شبیه «عروسک خیمی شب بازی پوتین» است. جیمز کلایپر، مدیر سابق اطلاعات ملی آمریکا، در این فکر بود که آیا روس‌ها چیزی علیه ترامپ دارند. و جان او. برنان، رئیس سابق سیا، که ترامپ را به «خیانت» متهم کرده بود، در توییتی نوشت: «پوتین او را در مشت خود دارد.»

مایکل مورل، مدیر سابق سیا در ژانویه ۲۰۱۹، ترامپ را «عامل ناخواسته فدراسیون روسیه» خواند، و مایکل وی. هایدن، گفت که ترامپ یک «احمق مفید» است که «توسط مسکو به بازی گرفته می‌شود». نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان، وفاداری ترامپ را زیر سوال برد و از او پرسید: «[چرا] همه راه‌ها به پوتین منتهی می‌شوند؟» یک سایت خبری آنلاین اسرائیلی در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۷ گزارش داد که اطلاعات آمریکا به افسران اطلاعاتی اسرائیل توصیه کرده است که تا زمان بررسی کامل احتمال نفوذ روسیه بر ترامپ، در مورد به اشتراک گذاری اطلاعات با دولت آینده ترامپ محتاط باشند.

### دولت بایدن (۲۰۲۱-اکنون)

پس از دستگیری الکسی ناوالنی، رهبر مخالفان روسیه در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۱، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، اظهار داشت: «آقای ناوالنی باید فوراً آزاد شود و عاملان حمله ظالمانه به زندگی او باید پاسخگو باشند. حملات کرملین به آقای ناوالنی فقط نقض حقوق بشر نیست، بلکه توهین به مردم روسیه است که می‌خواهند صدایشان شنیده شود.» در روز تحلیف بایدن، روسیه از دولت جدید خواست تا رویکردی «سازنده‌تر» در مذاکرات درباره تمدید معاهده استارت جدید در سال ۲۰۱۰ اتخاذ کند و دولت ترامپ را متهم کرد که عمدی توافق نامه‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات را برچیده و به رویکرد «ضدمولد و تهاجمی» آن در مذاکرات حمله کرده است. در ۲۶ ژانویه، بایدن و پوتین توافق کردند که معاهده استارت جدید را به مدت پنج سال تمدید کنند که در غیر این صورت در فوریه ۲۰۲۱ منقضی می‌شد.

در ۱۷ مارچ ۲۰۲۱، وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که روسیه آناتولی آنتونوف سفیر خود در آمریکا را برای مشاوره فراخوانده است، اقدامی که توسط سخنگوی این وزارتخانه بدون



سابقه برای سفیر روسیه در آمریکا توصیف شده است. این فراخوان پس از آن صورت گرفت که بایدن گفت که فکر می کند پوتین یک «قاتل» است و بهای مداخله در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا را خواهد پرداخت، که توسط یک گزارش غیرمحرمانه تایید شده بود.

وزارت امور خارجه در مورد این فراخوان توضیح داد که آمریکا با روسیه برای پیشبرد منافع همکاری خواهد کرد، و آنها «می توانند روسیه را مسئول هر یک از اقدامات بد خود کنند.» در ۱۵ آوریل، آمریکا از اخراج ۱۰ دیپلمات روسی خبر داد و شش شرکت فناوری روسی و همچنین ۳۲ فرد و نهاد دیگر را تحریم کرد. تحریم های جدید همچنین بدهی های دولتی به روبل را هدف قرار داده است. بایدن اظهار داشت که آمریکا «می توانست فراتر از این تحریم ها پیش رود»، اما او فعلاً نوع خفیف تری از تحریم های دولتی را انتخاب کرده است زیرا می خواهد از «تشدید تنش و درگیری جلوگیری کند». روسیه روز بعد ۱۰ دیپلمات آمریکایی را اخراج کرد و به سفیر آمریکا پیشنهاد داد تا برای مشورت به خانه بازگردد.

دولت بایدن در ۱۹ می تحریم های خط لوله گاز نورد استریم ۲ را که بین روسیه و آلمان در حال ساخت بود، لغو کرد. در حالی که جو بایدن معتقد بود این پروژۀ بد است، وزارت خارجه آمریکا توضیح داد که به این نتیجه رسیده است که لغو تحریم ها در راستای «منافع ملی آمریکا» است.

در ماه می ۲۰۲۱، بایدن و پوتین توافق کردند که با یکدیگر ملاقات کنند زیرا روابط بین کشورها در پایین ترین سطح از دهه ۱۹۸۰ ارزیابی می شد. در نشست ژنو در اواسط ژوئن، رهبران کشورها به توافق رسیدند تا سفرای خود را بازگردانند، هیچ پیشرفتی در غلبه بر موارد اصلی اختلاف حاصل نشد.

در ۲۱ آگوست، وزارت امور خارجه تحریم ها بیشتری را علیه روسیه به اتهام مسمومیت الکسی ناوالنی اعمال کرد. این تحریم ها شامل ممنوعیت واردات مهمات به آمریکا و همچنین محدودیت فروش سلاح های کوچک است.

در ۱ دسامبر ۲۰۲۱، وزارت خارجه روسیه به دیپلمات های آمریکایی که بیش از سه سال در مسکو کار می کردند، گفت که تا ۳۱ ژانویه ۲۰۲۲ کشور را ترک کنند. این اقدام در پاسخ به اخباری در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۱ مبنی بر اخراج ۲۷ کارمند دیپلماتیک روسیه توسط آمریکا، صورت گرفت.



## فصل دوم

# نگاهی به موقعیت کشورهای مشترک المنافع



کشورهای مشترک‌المنافع، یک سازمان بین دولتی منطقه‌ای در شرق اروپا و آسیا است. این سازمان پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تشکیل شد. مساحت آن ۲۳۹,۷۹۶,۰۱۰ کیلومتر مربع (۷,۸۶۴,۴۲۲ مایل مربع) است و جمعیت آن ۲۳۹,۷۹۶,۰۱۰ برآورد شده است. سازمان کشورهای مشترک‌المنافع، همکاری در امور اقتصادی، سیاسی و نظامی را تشویق می‌کند و دارای اختیارات خاصی در زمینه هماهنگی تجارت، مالی، قانون‌گذاری و امنیت است. همچنین همکاری در زمینه پیشگیری از جرایم فرامرزی را ارتقا داده است.

کشورهای مشترک‌المنافع منشأ خود را از امپراتوری روسیه می‌گیرد، که در سال ۱۹۱۷ پس از انقلاب فوریه در اوایل همان سال، جمهوری روسیه جایگزین آن شد. پس از انقلاب اکتبر، جمهوری سوسیالیستی فدراتیو جماهیر شوروی پس از ایجاد با معاهده و اعلامیه ایجاد اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۲ همراه با جمهوری شوروی سوسیالیستی بلاروس، جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین و جمهوری فدراتیو سوسیالیستی قفقاز جنوبی به جمهوری پیشرو در اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شد. هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ شروع به سقوط کرد، جمهوری‌های بنیان‌گذار، توافقنامه بلاوژ را در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ امضا کردند و اعلام کردند که اتحاد جماهیر شوروی وجود نخواهد داشت و کشورهای مشترک‌المنافع را به جای آن اعلام کردند. چند روز بعد پروتکل آلتا آتا امضا شد که اعلام کرد اتحاد جماهیر شوروی منحل شده است. کشورهای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) که عضویت خود را در اتحاد جماهیر شوروی غیرقانونی می‌دانند، ترجیح دادند که در آن شرکت نکنند. گرجستان در سال ۲۰۰۸ پس از جنگ روسیه و گرجستان از عضویت آن خارج شد. اوکراین در سال ۲۰۱۸ به دلیل تنش‌های طولانی با روسیه، به مشارکت خود در نهادهای قانونی کشورهای مشترک‌المنافع پایان داد.

هشت کشور از ۹ کشور عضو کشورهای مشترک‌المنافع در منطقه تجارت آزاد کشورهای مشترک‌المنافع مشارکت دارند. سه سازمان از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع سرچشمه گرفته‌اند، یعنی سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا (در کنار زیرمجموعه‌ها، اتحادیه گمرکی اوراسیا و فضای اقتصادی اوراسیا) و دولت اتحادیه. در حالی که اولی و دومی ائتلاف‌های نظامی و اقتصادی هستند، سومین هدف، دستیابی به یک اتحادیه فراملی روسیه و بلاروس با یک دولت، پرچم، واحد پول و غیره مشترک است. در مارس سال ۱۹۹۱، میخائیل گورباچف، رئیس‌جمهور اتحاد جماهیر شوروی، با برگزاری



همه‌پرسی برای حفظ این اتحادیه به عنوان اتحادیه جمهوری‌های مستقل، پیشنهاد تشکیل فدراسیون روسیه را داد. امضای معاهده جدید هرگز اتفاق نیفتاد زیرا تندرهای حزب کمونیست در ماه اگوست همان سال اقدام به کودتا کردند. این سازمان که اغلب به عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته می‌شود، یکی از بزرگترین سازمان‌های بین‌دولتی در اروپا است.

معاهده‌هایی که کشورهای مشترک‌المنافع را شکل داد

به دنبال وقایع کودتای نافرجام ماه اگوست، جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی از ترس کودتای دیگری استقلال خود را اعلام کردند. یک هفته پس از برگزاری همه‌پرسی استقلال اوکراین، که شانس باقی ماندن اتحاد جماهیر شوروی را پایین نگه داشت، کشورهای مشترک‌المنافع به جای آن در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ توسط جمهوری شوروی سوسیالیستی بلاروس، جمهوری فدراتیو سوسیالیستی قفقاز جنوبی و جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین تأسیس شد. هنگامی که رهبران این سه جمهوری در منطقه حفاظت شده پارک ملی بلاژو، در حدود ۵۰ کیلومتری (۳۱ مایلی) شمال برست در بلاروس، گرد هم آمدند، «توافق آغازین» یا کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را امضا کردند.

کشورهای مشترک‌المنافع اعلام کرد که سازمان جدید برای همه جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق و سایر کشورهایی که اهداف مشابهی دارند باز خواهد بود. منشور کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بیان می‌کرد که همه اعضا کشورهای مستقل و طرفدار در نتیجه اتحاد جماهیر شوروی را لغو کردند. در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، رهبران هشت جمهوری دیگر شوروی سابق (ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان) پروتکل آلتا را امضا کردند که می‌توانست به عنوان گسترش کشورهای مشترک‌المنافع به این کشورها یا تأسیس کشورهای مشترک‌المنافع مناسب تفسیر شود، بنابراین تعداد کشورهای شرکت‌کننده به ۱۱ رسید. گرجستان دو سال بعد، در دسامبر ۱۹۹۳ به آن پیوست. در این مرحله، ۱۲ کشور از ۱۵ جمهوری شوروی سابق در کشورهای مشترک‌المنافع شرکت کردند. سه کشور بالتیک این کار را نکردند، که منعکس‌کننده دیدگاه دولت‌ها و مردم آن‌ها مبنی بر غیرقانونی بودن اشغال شوروی پس از سال ۱۹۴۰ بود. کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و اتحاد جماهیر شوروی نیز تا ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ که اتحاد جماهیر شوروی رسماً منحل شد، بطور قانونی با یکدیگر همزیستی داشتند. به دنبال آن ایوان کوروتچنیا در همان روز منشی اجرایی کشورهای مشترک‌المنافع شد.



پس از پایان فرآیند انحلال اتحاد جماهیر شوروی، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی از نظر اقتصادی ضعیف شده و با کاهش تولید ناخالص داخلی مواجه شدند. دولت‌ها پس از فروپاشی شوروی تحت اصلاحات اقتصادی و خصوصی‌سازی قرار گرفتند. فرآیند ادغام اوراسیا بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای حفظ روابط اقتصادی با جمهوری‌های پس از شوروی آغاز شد.

### منشور کشورهای مشترک‌المنافع از سال ۱۹۹۳ تا کنون

در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۳، منشور (اساسنامه) کشورهای مشترک‌المنافع امضا شد که مؤسسات مختلف کشورهای مشترک‌المنافع، وظایف آن‌ها، قوانین و اساسنامه کشورهای مشترک‌المنافع را تشکیل می‌دهد. این منشور همچنین تعریف می‌کند که همه کشورها موافقت‌نامه ایجاد کشورهای مشترک‌المنافع را تصویب کرده‌اند و پروتکل مربوط به آن (آلما آتا) به عنوان کشورهای مؤسس کشورهای مشترک‌المنافع در نظر گرفته می‌شود و همچنین تنها کشورهایی که این منشور را تصویب می‌کنند به عنوان کشورهای عضو کشورهای مشترک‌المنافع در نظر گرفته می‌شوند. سایر کشورها می‌توانند به عنوان اعضای وابسته یا ناظر در صورت پذیرش با تصمیم شورای سران کشورها در کشورهای مشترک‌المنافع شرکت کنند. همه کشورهای مؤسس، به غیر از اوکراین و ترکمنستان، منشور کشورهای مشترک‌المنافع را تصویب کردند و به عضویت آن درآمدند. با این وجود، اوکراین و ترکمنستان به مشارکت در کشورهای مشترک‌المنافع ادامه دادند، بدون اینکه کشور عضو آن باشند. اوکراین در ماه آوریل سال ۱۹۹۴ به عضو وابسته اتحادیه اقتصادی کشورهای مشترک‌المنافع درآمد و ترکمنستان در اگوست ۲۰۰۵ عضو وابسته کشورهای مشترک‌المنافع شد. گرجستان در سال ۲۰۰۹ به طور کلی از کشورهای مشترک‌المنافع خارج شد و اوکراین در سال ۲۰۱۸ مشارکت خود را متوقف کرد.

در طی یک سخنرانی در دانشگاه دولتی مسکو در سال ۱۹۹۴، رئیس جمهور قزاقستان، نورسلطان نظربایف، ایده ایجاد یک فضای «دفاع مشترک» در داخل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را پیشنهاد کرد. ایده نظربایف به سرعت به عنوان راهی برای تقویت تجارت، افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه و به عنوان وزنه تعادلی برای غرب و شرق آسیا تلقی شد.

بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵، سه کشور عضو کشورهای مشترک‌المنافع تغییر حکومت را در یک سری انقلاب‌های رنگی تجربه کردند: ادوارد شواردناده در گرجستان سرنگون شد.



ویکتور یوشچنکو در اوکراین انتخاب شد و عسکر آقایف در قرقیزستان سرنگون شد. در فوریه سال ۲۰۰۶، گرجستان از شورای وزیران دفاع خارج شد، با این بیانیه که «گرجستان مسیر پیوستن به ناتو را گذرانده است و نمی‌تواند همزمان بخشی از دو ساختار نظامی باشد»، اما به عنوان عضو کامل کشورهای مشترک‌المنافع تا اگوست ۲۰۰۹ باقی ماند، یک سال پس از خروج رسمی پس از جنگ روسیه و گرجستان. در مارس ۲۰۰۷، ایگور ایوانف، دبیر شورای امنیت روسیه، تردیدهای خود را در مورد سودمندی کشورهای مشترک‌المنافع ابراز کرد و تأکید کرد که جامعه اقتصادی اوراسیا در حال تبدیل شدن به سازمانی شایسته‌تر برای متحد کردن بزرگترین کشورهای سازمان کشورهای مشترک‌المنافع است. پس از خروج گرجستان، رؤسای جمهور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان از نشست اکتبر ۲۰۰۹ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع صرف‌نظر کردند و هر کدام مسائل و اختلاف نظرهای خود را با فدراسیون روسیه داشتند.

شورای وزیران امور خارجه در ۱۱ آوریل سال ۲۰۰۳ در شهر دوشنبه تاجیکستان، برای بحث در مورد جنگ در عراق و بررسی پیش‌نویس برنامه برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی تشکیل جلسه داد که بر نیاز ویژه به نقش بین‌المللی در عراق پس از جنگ تأکید کرد و همچنین در اجلاس ماه می در سن پترزبورگ سخنرانی‌هایی صورت گرفت. در ماه می سال ۲۰۰۹، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، مولداوی و اوکراین به مشارکت شرقی پیوستند، پروژه‌ای که توسط اتحادیه اروپا آغاز شد.

### مشترک‌المنافع‌ها چه کشورهای هستند؟

۹ کشور عضو کامل سازمان کشورهای مشترک‌المنافع هستند. «موافقتنامه آغازین» تا ژانویه سال ۱۹۹۳، زمانی که منشور کشورهای مشترک‌المنافع تصویب شد، سند اصلی تشکیل‌دهنده کشورهای مشترک‌المنافع باقی ماند. این منشور، مفهوم عضویت را رسمیت بخشید: کشور عضو به عنوان کشوری تعریف می‌شود که منشور کشورهای مشترک‌المنافع را تصویب می‌کند. طرفین موافقتنامه ایجاد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، و نه منشور، به عنوان «کشورهای بنیانگذار» در نظر گرفته می‌شوند، اما اعضای کامل نیستند. ترکمنستان منشور را تصویب نکرده است و بنابراین به طور رسمی عضو کشورهای مشترک‌المنافع نیست. با این وجود، به طور مداوم در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شرکت کرده است که گویی یک کشور عضو آن است. ترکمنستان از ۲۶ اگوست ۲۰۰۵







جایگاه خود را به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تغییر داد. دلیل ذکر شده این بود که با وضعیت بی‌طرفی بین‌المللی اعلام شده در سال ۱۹۹۵ و به رسمیت شناخته‌شده سازمان ملل متحد مطابقت داشته باشد، اما کارشناسان اشاره کرده‌اند که این کشور دیگر نیازی به روسیه برای دسترسی به گاز طبیعی ندارد و همچنین آن‌ها به کاهش ایمان این کشور به توانایی کنفدراسیون برای حفظ ثبات داخلی در پرتو انقلاب‌های رنگی اشاره کرده‌اند. اگرچه اوکراین یکی از کشورهایی بود که «موافقت نامه آغازین» را در دسامبر ۱۹۹۱ تصویب کرد و به عنوان کشور مؤسس سازمان کشورهای مشترک‌المنافع تبدیل شد اما تصمیم گرفت منشور کشورهای مشترک‌المنافع را تصویب نکند زیرا با روسیه به عنوان تنها کشور جانشین قانونی آن مخالف بود. بنابراین هرگز عضو کامل کشورهای مشترک‌المنافع نبوده است. با این حال، اوکراین علیرغم عدم عضویت در کشورهای مشترک‌المنافع به مشارکت خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۳، اوکراین یکی از اعضای وابسته اتحادیه اقتصادی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شد.

پس از مداخله نظامی روسیه در اوکراین و الحاق کریمه، روابط بین اوکراین و روسیه بدتر شد و اوکراین را به فکر پایان دادن به مشارکت خود در کشورهای مشترک‌المنافع انداخت. از آنجایی که اوکراین هرگز منشور آن را تصویب نکرد، می‌توانست مشارکت غیررسمی خود در کشورهای مشترک‌المنافع را متوقف کند. با این حال، برای خاتمه کامل روابط خود با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، می‌بایست به طور قانونی از «موافقتنامه آغازین» خارج می‌شد، همانطور که گرجستان قبلاً آن کار را انجام داد. در روز ۱۴ مارس سال ۲۰۱۴، لایحه‌ای به پارلمان اوکراین ارائه شد تا تصویب موافقتنامه ایجاد کشورهای مشترک‌المنافع را محکوم کند، اما هرگز تصویب نشد. پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴، لایحه جدیدی برای محکوم کردن توافقنامه کشورهای مشترک‌المنافع ارائه شد. در سپتامبر سال ۲۰۱۵، وزارت امور خارجه اوکراین تأیید کرد که اوکراین به مشارکت در کشورهای مشترک‌المنافع به صورت انتخابی ادامه خواهد داد. از آن ماه، اوکراین هیچ نماینده‌ای در ساختمان کمیته اجرایی کشورهای مشترک‌المنافع نداشته است. در ماه آوریل سال ۲۰۱۸، پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهور اوکراین، اعلام کرد که این کشور رسماً از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع خارج خواهد شد. از اول ماه ژوئن، دبیرخانه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع اخطار رسمی از اوکراین مبنی بر خروج خود از کشورهای مشترک‌المنافع دریافت نکرده بود. در روز ۱۹ می سال ۲۰۱۸، پوروشنکو فرمانی را امضا کرد که به طور رسمی به مشارکت



اوکراین در نهادهای قانونی کشورهای مشترک‌المنافع پایان می‌دهد. دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع اعلام کرد که به دعوت از اوکراین برای مشارکت ادامه خواهد داد. اوکراین همچنین اعلام کرده است که قصد دارد مشارکت خود را در تمام توافقات کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بازنگری کند و فقط در مواردی که به نفعش است ادامه دهد. با توجه به حمایت روسیه از استقلال مناطق جداشده در مولداوی، گرجستان، و اوکراین، و همچنین نقض توافق استانبول، ابتکارات قانونی برای محکوم کردن موافقتنامه ایجاد کشورهای مشترک‌المنافع در ۲۵ مارس ۲۰۱۴ در پارلمان مولداوی مطرح شد، اما تصویبی صورت نگرفت. لایحه مشابهی در ماه ژانویه سال ۲۰۱۸ پیشنهاد شد.

کشور	تصویب توافقتنامه	تصویب منشور	توضیحات
ارمنستان	۱۸ فوریه ۱۹۹۲	۱۶ مارس ۱۹۹۴	کشور بنیانگذار
آذربایجان	۲۴ سپتامبر ۱۹۹۳	۲۴ سپتامبر ۱۹۹۳	-
بلاروس	۱۰ دسامبر ۱۹۹۱	۱۸ ژانویه ۱۹۹۴	کشور بنیانگذار
قزاقستان	۲۳ دسامبر ۱۹۹۱	۲۰ آوریل ۱۹۹۴	کشور بنیانگذار
قرقیزستان	۶ مارس ۱۹۹۲	۱۲ آوریل ۱۹۹۴	کشور بنیانگذار
مولداوی	۸ آوریل ۱۹۹۴	۱۵ آوریل ۱۹۹۴	-
روسیه	۱۲ دسامبر ۱۹۹۱	۲۰ جولای ۱۹۹۳	کشور بنیانگذار
تاجیکستان	۲۶ ژوئن ۱۹۹۳	۲۴ آگوست ۱۹۹۳	-
ازبکستان	۴ ژانویه ۱۹۹۲	۹ فوریه ۱۹۹۴	کشور بنیانگذار

### تصویب‌کنندگان موافقت‌نامه آغازین

دو کشور، اوکراین و ترکمنستان، موافقت‌نامه ایجاد کشورهای مشترک‌المنافع را تصویب کرده‌اند و این آن‌ها را به کشورهای بنیانگذار کشورهای مشترک‌المنافع تبدیل کرده است، اما منشور بعدی را که آن‌ها را به عضویت کشورهای مشترک‌المنافع تبدیل می‌کند، تصویب نکرده‌اند. این کشورها، در حالی که اعضای رسمی سازمان کشورهای مشترک‌المنافع نبودند، اجازه داشتند در سازمان کشورهای مشترک‌المنافع شرکت کنند. آن‌ها همچنین اجازه داشتند در طرح‌های مختلف سازمان کشورهای مشترک‌المنافع شرکت کنند، به عنوان مثال، حضور در منطقه تجارت آزاد کشورهای مشترک‌المنافع، که با این حال، عمدتاً به عنوان موافقت‌نامه‌های چندجانبه مستقل و نه به عنوان موافقت‌نامه‌های داخلی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تنظیم شدند. علاوه بر این، اوکراین در سال ۱۹۹۴ به عضویت اتحادیه اقتصادی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع درآمد و ترکمنستان در سال



۲۰۰۵ عضو وابسته اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شد.

کشور	تصویب توافقتنامه / پروتکل	تصویب منشور	توضیحات
ترکمنستان	۲۶ دسامبر ۱۹۹۱	تصویب نشده	«کشور بنیانگذار است و عضو کامل نبوده است و از سال ۲۰۰۵ کشور وابسته است»
اوکراین	۱۰ دسامبر ۱۹۹۱	تصویب نشده	کشور بنیانگذار است. هیچ‌گاه عضو کامل نبوده و از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۸ کشور وابسته بوده است. تا حد زیادی از سال ۲۰۱۴ شرکت در سازمان را متوقف کرد و در سال ۲۰۱۸ در نتیجه جنگ در دونباس، نمایندگان خود را از تمام نهادهای قانونی این سازمان خارج کرد.

### اعضای ناظر

کشور	عضو ناظر	تصویب منشور
افغانستان	۲۰۰۸	تصویب نشده
مغولستان	۲۰۰۸	تصویب نشده

### اعضای سابق

کشور	تصویب توافق / پروتکل	تصویب منشور	عقب‌نشینی	خروج کامل	توضیحات
گرجستان	۳ دسامبر ۱۹۹۳	۱۹ آوریل ۱۹۹۴	۲۰۰۸	۱۸ آگوست ۲۰۰۹	خروج به دلیل جنگ روسیه و گرجستان



### سیاست‌ها دبیران اجرائی

نام	کشور	دوره
ایوان کروچنیا	بلاروس	۱۴ می ۱۹۹۳ - ۲۹ آپریل ۱۹۹۸
بوریس برزوفسکی	روسیه	۲۹ آپریل ۱۹۹۸ - ۴ مارس ۱۹۹۹
ایوان کروچنیا	بلاروس	۴ مارس - ۲ آپریل ۱۹۹۹
یوری یاروف	روسیه	۲ آپریل ۱۹۹۹ - ۱۴ ژوئن ۲۰۰۴
ولادیمیر روشایلو	روسیه	۱۴ ژوئن ۲۰۰۴ - ۵ اکتبر ۲۰۰۷
سرگئی لیدوف	روسیه	۵ اکتبر ۲۰۰۷ - متصدی فعلی

#### نگاهی به کارکرد مجمع بین‌المجالس کشورهای مشترک‌المنافع

مجمع بین‌المجالس در ۲۷ مارس ۱۹۹۲ در قزاقستان تأسیس شد. در روز ۲۶ می سال ۱۹۹۵ رهبران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع کنوانسیون مجمع بین‌المجالس کشورهای عضو سازمان کشورهای مشترک‌المنافع را امضا کردند که در نهایت توسط ۹ پارلمان تصویب شد. طبق شرایط این کنوانسیون، مجمع بین‌المجالس با مشروعیت بین‌المللی سرمایه‌گذاری شد و در کاخ تاوروی در سن پترزبورگ مستقر شد و به عنوان شاخه مشورتی پارلمانی کشورهای مشترک‌المنافع که برای بحث در مورد مشکلات همکاری پارلمانی ایجاد شده و پیش‌نویس اسناد و مدارک مشترک را بررسی می‌کند، عمل می‌کند. قوانین به قانونگذاران ملی در سازمان کشورهای مشترک‌المنافع (و همچنین توصیه‌ها) برای استفاده از آن‌ها در تهیه قوانین جدید و اصلاحات در قوانین موجود نیز که توسط بیش از ۱۳۰ سند تصویب شده است و همگرایی قوانین در کشورهای مشترک‌المنافع را تضمین می‌کند، کمک می‌کند. قوانین ملی مجمع به طور فعال در توسعه فرآیندهای ادغام در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع مشارکت دارد و همچنین ناظرانی را به انتخابات ملی می‌فرستد. این مجمع، سی و دومین جلسه عمومی خود را در روز ۱۴ می سال ۲۰۰۹ در سن پترزبورگ برگزار کرد.



### پاشنه آشیل کشورهای مشترک المنافع

از زمان پیدایش آن، یکی از اهداف اولیه سازمان کشورهای مشترک المنافع، ایجاد یک انجمن برای بحث در مورد مسائل مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته بوده است. برای دستیابی به این هدف، کشورهای عضو توافق کرده‌اند که حقوق بشر را ارتقا دهند و از آن حمایت کنند. در ابتدا، تلاش‌ها برای دستیابی به این هدف صرفاً شامل بیانیه‌های حسن نیت بود، اما در روز ۲۶ می سال ۱۹۹۵، سازمان کشورهای مشترک المنافع، کنوانسیون حقوق بشر این سازمان و آزادی‌های اساسی را تصویب کرد. در سال ۱۹۹۱، چهار سال قبل از معاهده حقوق بشر در سال ۱۹۹۵، ماده ۳۳ منشور کشورهای مشترک المنافع، یک کمیسیون حقوق بشر با مقر آن در مینسک بلاروس ایجاد کرد. این امر با تصمیم شورای سران کشورهای کشورهای مشترک المنافع در سال ۱۹۹۳ تأیید شد. در سال ۱۹۹۵، کشورهای مشترک المنافع یک معاهده حقوق بشر را تصویب کرد که شامل حقوق بشر مدنی و سیاسی و همچنین اجتماعی و اقتصادی است. این معاهده در سال ۱۹۹۸ لازم‌الاجرا شد. معاهده کشورهای مشترک المنافع از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر الگوبرداری شده است، اما فاقد مکانیسم‌های اجرایی قوی این کنوانسیون است. در معاهده کشورهای مشترک المنافع، کمیسیون حقوق بشر اختیارات بسیار مبهمی تعریف کرده است. با این حال، اساسنامه کمیسیون حقوق بشر که توسط کشورهای عضو کشورهای مشترک المنافع نیز به عنوان یک تصمیم اتخاذ شده است، به کمیسیون این حق را می‌دهد که ارتباطات بین ایالتی و همچنین فردی را دریافت کند. اعضای کشورهای مستقل مشترک المنافع، به ویژه در آسیای مرکزی، همچنان از ضعیف‌ترین سوابق حقوق بشر در جهان برخوردار هستند. بسیاری از فعالان به نمونه‌هایی مانند کشتار سال ۲۰۰۵ اندیجان در ازبکستان اشاره می‌کنند تا نشان دهند که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی تقریباً هیچ پیشرفتی در حقوق بشر وجود نداشته است. تثبیت قدرت توسط ولادیمیر پوتین منجر به کاهش مداوم در پیشرفت متوسط سال‌های گذشته در روسیه شده است. کشورهای مشترک المنافع همچنان با چالش‌های جدی در رعایت استانداردهای بین‌المللی اساسی روبرو هستند.

### سازمانی برای توسعه سیاستهای نظامی

منشور کشورهای مشترک المنافع شورای وزیران دفاع را ایجاد می‌کند که وظیفه هماهنگی



همکاری نظامی کشورهای عضو این سازمان را بر عهده دارد. برای این منظور، این شورا رویکردهای مفهومی را برای مسائل مربوط به سیاست نظامی و دفاعی کشورهای عضو این سازمان توسعه می‌دهد. پیشنهادهایی را با هدف جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه در قلمرو کشورهای عضو یا با مشارکت آن‌ها تهیه می‌کند. در مورد پیش‌نویس معاهدات و موافقتنامه‌های مربوط به مسائل دفاعی و تحولات نظامی نظرات کارشناسی می‌دهد. پیشنهادات مربوطه را مورد توجه شورای سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع قرار می‌دهد. همچنین کار شورا در مورد تقریب قوانین حقوقی در حوزه توسعه دفاعی و نظامی مهم است.

یکی از جلوه‌های مهم فرآیندهای یکپارچه‌سازی در زمینه همکاری نظامی و دفاعی کشورهای عضو کشورهای مشترک‌المنافع، ایجاد سیستم مشترک دفاع هوایی کشورهای عضو این سازمان در سال ۱۹۹۵ است. در طول سال‌ها، پرسنل نظامی سیستم مشترک دفاع هوایی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲ برابر در امتداد مرز غربی و اروپایی کشورهای مشترک‌المنافع و ۱,۵ برابر در مرزهای جنوبی آن افزایش یافت.

زمانی که بوریس یلتسین در روز ۷ می سال ۱۹۹۲ وزیر دفاع روسیه شد، یوگنی شاپوشنیکوف به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع منصوب شد و کارکنان او از ساختمان‌های وزارت دفاع و ستاد کل اخراج شدند و دفاتری در مقر سابق پیمان ورشو در خیابان لنینگرادسکی شماره ۴۱ در حومه شمالی مسکو به آن‌ها داده شد. شاپوشنیکوف در ژوئن سال ۱۹۹۳ استعفا داد.

در دسامبر سال ۱۹۹۳، ستاد نیروهای مسلح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع لغو شد. در عوض، «شورای وزرای دفاع کشورهای مشترک‌المنافع» یک ستاد هماهنگی همکاری نظامی در مسکو ایجاد کرد که ۵۰ درصد بودجه آن توسط روسیه تأمین می‌شد. ژنرال ویکتور سامسونوف به عنوان رئیس ستاد منصوب شد.

### اقتصاد کشورهای مشترک‌المنافع درگیر فساد و بوروکراسی

در سال ۱۹۹۴، مذاکراتی بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برای ایجاد منطقه تجارت آزاد آغاز شد، اما هیچ توافقی امضا نشد. یک توافقنامه تجارت آزاد پیشنهادی همه ۱۲ عضو آن زمان کشورهای مشترک‌المنافع و طرف معاهده را به جز ترکمنستان پوشش می‌داد. در سال ۲۰۰۹، توافقنامه جدیدی برای ایجاد یک منطقه تجارت آزاد آغاز شد. در اکتبر سال



۲۰۱۱، توافقنامه تجارت آزاد جدید توسط هشت تن از ۱۱ نخست‌وزیر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، روسیه، تاجیکستان و اوکراین در نشست در سن پترزبورگ امضا شد. در ابتدا، این معاهده تنها توسط روسیه، بلاروس، و اوکراین تصویب شد، اما در پایان سال ۲۰۱۲، قزاقستان، ارمنستان و مولداوی نیز آن را به تصویب رساندند. در دسامبر ۲۰۱۳، ازبکستان، این معاهده را امضا و سپس تصویب کرد، در حالی که دو امضاکننده باقی‌مانده، قرقیزستان و تاجیکستان بعداً هر دو این معاهده را به ترتیب در ژانویه ۲۰۱۴ و دسامبر ۲۰۱۵ تصویب کردند. آذربایجان تنها کشور عضو کامل کشورهای مشترک‌المنافع است که در منطقه تجارت آزاد مشارکت ندارد. موافقتنامه تجارت آزاد عوارض صادرات و واردات چند کالا را حذف می‌کند، اما تعدادی از معافیت‌ها را نیز شامل می‌شود که در نهایت حذف خواهند شد. در همان جلسه اکتبر ۲۰۱۱، توافقنامه‌ای نیز در مورد اصول اساسی تنظیم ارز و کنترل ارز در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع امضا شد.

فساد و بوروکراسی مشکلات جدی تجارت در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع است. نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، پیشنهاد کرد که اعضای کشورهای مشترک‌المنافع یک دستور کار دیجیتالی را برای مدرن کردن اقتصادهای کشورهای این سازمان اتخاذ کنند.

پس از بحث و گفتگو پیرامون ایجاد فضای اقتصادی مشترک بین کشورهای مشترک‌المنافع، روسیه، اوکراین، بلاروس و قزاقستان، توافق اصولی در مورد ایجاد این فضا پس از نشستی در حومه مسکو در سال ۲۰۰۳ اعلام شد. فضای مشترک اقتصادی شامل یک کمیسیون فراملی در مورد تجارت و تعرفه است که در کیف مستقر خواهد بود، در ابتدا توسط نماینده قزاقستان رهبری می‌شود و تابع دولت‌های چهار کشور نخواهد بود. هدف نهایی، یک سازمان منطقه‌ای خواهد بود که برای سایر کشورها نیز باز باشد تا به آن بپیوندند و در نهایت حتی به یک ارز واحد منجر شود.

در ۲۲ می سال ۲۰۰۳، ورخونا رادا (پارلمان اوکراین) با ۲۶۶ رای موافق و ۵۱ رای مخالف فضای مشترک اقتصادی رای داد. با این حال، بیشتر بر این باورند که پیروزی ویکتور یوشچنکو در انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین در سال ۲۰۰۴ ضربه مهمی علیه این پروژه بود: یوشچنکو دوباره علاقه خود را به عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا نشان داده است و چنین عضویتی با فضای مشترک اقتصادی پیش‌بینی شده ناسازگار خواهد بود. ویکتور



یانو کوویچ جانشین یوشچنکو در ۲۷ آوریل سال ۲۰۱۰ اظهار داشت: «ورود اوکراین به اتحادیه گمرکی روسیه، بلاروس و قزاقستان امروز امکان پذیر نیست، زیرا اصول اقتصادی و قوانین سازمان تجارت جهانی این اجازه را نمی‌دهد، ما سیاست خود را با پیروی از اصول سازمان تجارت جهانی توسعه می‌دهیم.» اوکراین از سال ۲۰۰۸ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده است.

بنابراین، اتحادیه گمرکی بلاروس، قزاقستان و روسیه در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد، بازار واحدی برای سال ۲۰۱۲ پیش‌بینی شده بود، اما در عوض اتحادیه گمرکی به اتحادیه گمرکی اوراسیا تغییر نام داد و ارمنستان و قرقیزستان نیز به آن‌ها در سال ۲۰۱۵ اضافه شدند.

### داده‌های اقتصادی

کشور	جمعیت (۲۰۱۸)	تولید ناخالص داخلی		رشد تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۲)	سرانه تولید ناخالص داخلی اسمی		شاخص توسعه انسانی (۲۰۱۷)
		۲۰۰۷	۲۰۱۲		۲۰۰۷	۲۰۱۲	
بلاروس	۹۴۵۲۶۱۷	۴۵,۲۷۵,۷۳۸,۷۷۰	۶۵,۶۸۵,۰۰۰,۰۰۰	٪۴,۳	۴,۶۵۶	۶,۹۴۰	۰,۸۰۸
قزاقستان	۱۸۳۱۹۶۱۸	۱۰۴,۸۴۹,۹۱۵,۳۴۴	۱۹۶,۶۴۲,۰۰۰,۰۰۰	٪۵,۲	۶,۸۰۵	۱۱,۷۰۰	۰,۸۰۰
قرقیزستان	۶۳۰۴۰۳۰	۳,۸۰۲,۵۷۰,۵۷۲	۶,۱۹۷,۰۰۰,۰۰۰	٪۰,۸	۷۱۱	۱,۱۰۰	۰,۶۶۴
روسیه	۱۴۵۷۳۴۰۳۸	۱,۲۹۴,۳۸۱,۸۴۴,۰۸۱	۲,۰۲۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۳,۴	۹,۱۱۹	۱۴,۲۴۰	۰,۸۱۶
تاجیکستان	۹۱۰۰۸۳۵	۳,۶۹۵,۹۳۹,۰۰۰	۷,۲۶۳,۰۰۰,۰۰۰	٪۲,۱	۵۶۶	۹۶۵	۰,۶۵۰
ازبکستان	۳۲۴۷۱۲۴۴	۲۲,۳۵۵,۲۱۴,۰۸۵	۶۳,۶۲۲,۰۰۰,۰۰۰	٪۴,۱	۸۳۱	۲,۱۳۷	۰,۷۱۰
آذربایجان	۹۹۴۹۵۳۷	۳۳,۰۴۹,۴۲۶,۸۱۶	۷۱,۰۴۳,۰۰۰,۰۰۰	٪۳,۸	۳,۸۲۹	۷,۵۰۰	۰,۷۵۷
مولداوی	۴۰۵۱۹۴۴	۴,۴۰۱,۱۳۷,۸۲۴	۷,۵۸۹,۰۰۰,۰۰۰	٪۴,۴	۱,۲۰۰	۲,۹۰۰	۰,۷۰۰
ارمنستان	۲۹۵۱۷۴۵	۹,۲۰۴,۴۹۶,۴۱۹	۱۰,۵۵۱,۰۰۰,۰۰۰	٪۲,۱	۲,۹۹۶	۳,۵۰۰	۰,۷۵۵

### نظارت بر انتخابات کشورهای مشترک المنافع

سازمان نظارت بر انتخابات کشورهای مشترک المنافع یک نهاد نظارتی بر انتخابات است که در اکتبر ۲۰۰۲ و پس از نشست سران کشورهای مشترک المنافع کشورهای مستقل تشکیل شد که کنوانسیون استانداردهای انتخابات دموکراتیک، حقوق انتخابی و آزادی‌ها را در کشورهای عضو این سازمان تصویب کرد. سازمان نظارت بر انتخابات کشورهای مشترک المنافع از این زمان ناظران انتخاباتی را به کشورهای عضو این سازمان می‌فرستد. نهاد نظارت بر انتخابات بسیاری از انتخابات را تصویب کرده است که به شدت مورد انتقاد ناظران مستقل قرار گرفته است. ماهیت دموکراتیک دور نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین در سال ۲۰۰۴ که پس از انقلاب نارنجی و به قدرت رسیدن اپوزیسیون سابق، توسط کشورهای





مستقل مشترک‌المنافع زیر سوال رفت، در حالی که سازمان امنیت و همکاری اروپا هیچ مشکل مهمی در آن پیدا نکرد. این اولین باری بود که تیم‌های ناظر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع اعتبار یک انتخابات را به چالش کشیدند و گفتند که باید نامشروع تلقی شود. در روز ۱۵ مارس ۲۰۰۵، آژانس اطلاعات مستقل اوکراین به نقل از دیمیتری سویستکوف (سخنگوی وزارت خارجه اوکراین) اعلام کرد که اوکراین مشارکت خود در سازمان نظارت بر انتخابات کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را به حالت تعلیق درآورده است.

کشورهای مشترک‌المنافع انتخابات پارلمانی ازبکستان در سال ۲۰۰۵ را به عنوان «مشروع، آزاد و شفاف» ستایش کرد، در حالی که سازمان امنیت و همکاری اروپا به انتخابات ازبکستان اشاره کرده بود که به طور قابل توجهی از تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا و سایر استانداردهای بین‌المللی برای انتخابات دموکراتیک فاصله دارد.

مقامات مولداوی از دعوت ناظران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در انتخابات پارلمانی مولداوی در سال ۲۰۰۵ خودداری کردند، اقدامی که روسیه از آن انتقاد کرد. ده‌ها ناظر از بلاروس و روسیه برای پیگیری مسائل مولداوی منع شدند.

ناظران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بر انتخابات پارلمانی تاجیکستان در سال ۲۰۰۵ نظارت کردند و در پایان آن را «قانونی، آزاد و شفاف» اعلام کردند. همان انتخابات توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا با شکست استانداردهای بین‌المللی برای انتخابات دموکراتیک اعلام شد.

بلافاصله پس از آن که ناظران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از انتخابات پارلمانی قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ به عنوان «به خوبی سازماندهی شده، آزاد و عادلانه» استقبال کردند، در حالی که تظاهرات گسترده و اغلب خشونت‌آمیز در سراسر کشور در اعتراض به آنچه که مخالفان آن را تقلب در انتخابات پارلمانی می‌نامید، به راه افتاد. در مقابل، سازمان امنیت و همکاری اروپا گزارش داد که انتخابات در بسیاری از زمینه‌ها از استانداردهای بین‌المللی برخوردار نبود.

ناظران بین‌المللی مجمع بین‌المجالس اظهار داشتند که انتخابات محلی ۲۰۱۰ در اوکراین به خوبی سازماندهی شده بود. در حالی که شورای اروپا تعدادی از مشکلات را در رابطه با قانون جدید انتخابات که درست قبل از انتخابات تصویب شده بود، کشف کرد و دولت اوپاما از برگزاری انتخابات انتقاد کرد و گفت که آن‌ها معیارهای باز بودن و انصاف را برآورده نمی‌کنند.

### تلاش روس‌ها رسمی کردن زبانشان در کشورهای مشترک‌المنافع

روسیه خواستار دریافت وضعیت رسمی زبان روسی در تمام کشورهای عضو کشورهای





مشترک‌المنافع شده است. تا کنون زبان روسی تنها در چهار کشور روسیه، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان زبان رسمی است. زبان روسی نیز در منطقه ترانس نیستریا و منطقه خودمختار گاگاوزیا در مولداوی، زبان رسمی محسوب می‌شود. ویکتور یانوکوویچ، نامزد ریاست‌جمهوری مورد حمایت مسکو در انتخابات جنجالی ریاست‌جمهوری اوکراین در سال ۲۰۰۴، قصد خود را برای تبدیل زبان روسی به عنوان زبان دوم رسمی اوکراین اعلام کرد. با این حال، ویکتور یوشچنکو، نامزد مورد حمایت غرب، که در نهایت پیروز شد، با موفقیت با این ایده مخالفت کرد.

### رویدادهای ورزشی و فرهنگی

در زمان انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر سال ۱۹۹۱، تیم‌های ورزشی آن به رویدادهای ورزشی مختلف در سال ۱۹۹۲ دعوت شده بودند یا واجد شرایط بودند. یک تیم مشترک کشورهای مشترک‌المنافع جای خود را در برخی از این موارد گرفت. «تیم متحد» در بازی‌های المپیک زمستانی ۱۹۹۲ و المپیک تابستانی ۱۹۹۲ شرکت کرد و یک تیم فوتبال اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در یورو ۱۹۹۲ اروپا شرکت کرد. جایی که در مقابل تیم ملی باندی جدید روسیه نیز بازی کرد. مسابقات قهرمانی باندی اتحاد جماهیر شوروی برای ۱۹۹۱-۱۹۹۲ به عنوان قهرمانی کشورهای مشترک‌المنافع تغییر نام داد.

از آن زمان، اعضای کشورهای مشترک‌المنافع هر کدام به طور جداگانه در ورزش‌های بین‌المللی به رقابت پرداختند.

در سال ۲۰۱۷، جشنواره‌های برای ورزش‌ها و بازی‌های ملی، معروف به جشنواره ورزش‌های ملی و بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع در اولیانوفسک برگزار شد. ورزش‌های اصلی سامبو، طناب‌کشی، ماس کشتی، گورودکی، کشتی با کمر بند، لایتا، باندی (پیست بازی)، بلند کردن کتل بل، شطرنج و تیراندازی با کمان بود. چند ورزش نمایشی نیز بخشی از برنامه بود.

کشورهای مشترک‌المنافع همچنین یک انجمن مرتبط برای حمایت از روابط فرهنگی بین جمهوری‌های شوروی سابق بوده است. در سال ۲۰۰۶، شورای سران دولت‌های کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، بنیاد بین دولتی برای همکاری‌های آموزشی، علمی و فرهنگی (IFESCO) را راه اندازی کرد. این بنیاد از زمان ایجاد خود به طور عمده به حمایت مالی روسیه متکی بوده و از چندین رویداد فرهنگی چندجانبه، از جمله ابتکار «پایتخت فرهنگی کشورهای مشترک‌المنافع» حمایت کرده است. در سال ۲۰۱۷، شهر گوریس ارمنستان به عنوان پایتخت فرهنگی سال کشورهای مستقل مشترک‌المنافع معرفی شد.



# فصل سوم

## روسیه و اوکراین؛ جنگی مادام برای حفظ قدرت



روابط روسیه و اوکراین به روابط دوجانبه بین فدراسیون روسیه و اوکراین اشاره دارد. پس از انقلاب کرامت اوکراین در سال ۲۰۱۴، شبه جزیره کریمه اوکراین توسط نیروهای روسیه اشغال شد، سپس به روسیه ضمیمه شد، در حالی که جدایی طلبان طرفدار روسیه به طور همزمان ارتش اوکراین را درگیر یک درگیری مسلحانه برای کنترل شرق اوکراین کردند. این رویدادها آغاز جنگ جاری روسیه و اوکراین بود. در تشدید عمده درگیری در روز ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲، روسیه تهاجم تمام عیار به سرزمین اصلی اوکراین را در یک جبهه گسترده آغاز کرد که باعث شد اوکراین همه روابط دیپلماتیک رسمی با روسیه را قطع کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، روابط دوجانبه کشورها دوره‌هایی از روابط، تنش‌ها و خصومت آشکار را پشت سر گذاشته است. در اوایل دهه ۱۹۹۰، سیاست اوکراین تحت سلطه آرزوها برای تضمین حاکمیت و استقلال خود بود و به دنبال آن یک سیاست خارجی که همکاری با اتحادیه اروپا، روسیه و سایر سیاست‌های قدرتمند را متعادل می‌کرد. روابط دو کشور از زمان انقلاب اوکراین در سال ۲۰۱۴ که با الحاق کریمه به روسیه و حمایت روسیه از جدایی طلبان جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوہانسک آغاز شد، خصمانه بوده است، درگیری‌هایی که تا اوایل سال ۲۰۲۰ بیش از ۱۳۰۰۰ نفر را کشته و تحریم‌های غرب را علیه روسیه به همراه داشت. قراردادهای دوجانبه متعددی فسخ شده و روابط اقتصادی قطع شده است. در طول سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، استقرار نظامی روسیه در مرز اوکراین تنش‌ها را بین این دو کشور تشدید کرد و روابط دوجانبه آن‌ها را تیره کرد. اوکراین در واکنش به حمله روسیه به این کشور روابط دیپلماتیک خود را با مسکو قطع کرد.

### «روس کی‌یف» از حمله مغول تا امروز

روس کی‌یف (نام دولتی قرون وسطایی اروپایی بود که در اواخر سده نهم میلادی تشکیل شد و پس از حمله مغول‌ها میان سال‌های ۱۲۳۷ تا ۱۲۴۰ میلادی از میان رفت). هم روسیه و هم اوکراین مدعی میراث خود از روس کی‌یف هستند، دولتی که اکثر قبایل اسلاو شرقی و برخی از قبایل فنلاندی را متحد کرد و ارتدکس بیزانسی را در قرون نهم تا یازدهم پذیرفت. طبق تواریخ قدیمی روسیه، کیف، پایتخت اوکراین مدرن، به عنوان پایتخت دولت قدرتمند روسیه در اواخر قرون وسطی به عنوان مادر شهرهای روسیه معرفی شد. پس از حمله مغول به روس کی‌یف، تاریخچه مردم ساکن در سرزمین‌های روسیه و



اوکراین از هم جدا شد. دوک‌نشین بزرگ مسکو تمام بقایای استان‌های شمالی روسیه را متحد کرد و به دولت روسیه تبدیل شد. پادشاهی گالیسیا-ولهینیا تحت سلطه دوک‌نشین بزرگ لیتوانی و به دنبال آن کشور مشترک المنافع لهستان-لیتوانی قرار گرفت. در داخل کشورهای مشترک المنافع، قزاق‌های ستیزه‌جوی زاپروژیان از پلونیزاسیون (کسب یا تحمیل عناصر فرهنگ لهستانی، به ویژه زبان لهستانی است) خودداری کردند و اغلب با دولت مشترک المنافع که توسط اشراف لهستانی کنترل می‌شد درگیر شدند. ناآرامی در میان قزاق‌ها باعث شد که آن‌ها علیه کشورهای مشترک المنافع شورش کنند و به دنبال اتحاد با روسیه باشند که از نظر فرهنگ، زبان و مذهب با روسیه شباهت‌هایی داشتند. این امر از طریق معاهده پریاسلاو در سال ۱۶۵۴ رسمیت یافت. از اواسط قرن هفدهم، بسیاری از قلمرو اوکراین به تدریج توسط امپراتوری روسیه ضمیمه شد و در اواخر قرن هجدهم، استقلال لهستان از بین رفت. اندکی بعد، قزاق‌ها به زور توسط امپراتوری روسیه منحل شدند و اکثر قزاق‌ها به منطقه کوبان در لبه جنوبی امپراتوری روسیه نقل مکان کردند. امپراتوری روسیه اوکراینی‌ها (و بلاروس‌ها) را از نظر قومی، روسی می‌دانست و از آن‌ها به عنوان «روس‌های کوچک» یاد می‌کرد. با این دیدگاه تا پایان جنگ جهانی اول تنها توسط گروه کوچکی از ملی‌گرایان اوکراینی مخالفت می‌شد. با این وجود، تهدید محسوس «جدایی خواهی اوکراین» مجموعه‌ای از اقدامات را با هدف روسی‌سازی «روس‌های کوچک» به راه انداخت. در سال ۱۸۰۴، زبان اوکراینی در مدارس به عنوان موضوع و زبان آموزشی ممنوع شد. در سال ۱۸۷۶، امس اوکاز، منشی الکساندر دوم، انتشار و واردات اکثر کتاب‌های زبان اوکراینی، اجرای عمومی و سخنرانی‌ها به زبان اوکراینی، و حتی چاپ متون اوکراینی همراه با موسیقی را ممنوع کرد.

### اتحاد جماهیر شوروی جمهوری و خلق اوکراین

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ شاهد برقراری روابط رسمی بین دولت موقت روسیه و رادا مرکزی اوکراین (شورای مرکزی اوکراین) بود که توسط کمیسر آن پترو استبینیتسکی در دولت روسیه نمایندگی می‌شد. در همان زمان دیمیتری اودینتس به عنوان نماینده امور روسیه در دولت اوکراین منصوب شد. پس از تهاجم نظامی شوروی در آغاز سال ۱۹۱۸، اوکراین استقلال کامل خود را از جمهوری روسیه در ۲۲ ژانویه ۱۹۱۸ اعلام کرد، که به عنوان جمهوری خلق اوکراین که از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ سابقاً وجود داشت. دو معاهده برست -



لیتوفسک که اوکراین و روسیه به طور جداگانه با قدرت‌های مرکزی امضا کردند، درگیری نظامی بین آن‌ها را آرام کرد و مذاکرات صلح در همان سال آغاز شد. پس از پایان جنگ جهانی اول، اوکراین به میدان نبرد جنگ استقلال خود که به جنگ داخلی روسیه مرتبط است، تبدیل شد. هم روس‌ها و هم اوکراینی‌ها تقریباً در تمام ارتش‌ها بر اساس اعتقادات سیاسی شخصی می‌جنگیدند. در سال ۱۹۲۲، اوکراین و روسیه دو نفر از اعضای مؤسس اتحادیه جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی بودند و امضاکنندگان معاهده‌ای بودند که اتحادیه را در دسامبر ۱۹۹۱ خاتمه داد. پایان امپراتوری روسیه نیز به ممنوعیت زبان اوکراینی پایان داد. به دنبال آن دوره‌ای از کورنیزاسیا (شوروی شدن) که فرهنگ‌های جمهوری‌های مختلف شوروی را ترویج می‌کرد، دنبال شد. قحطی هولودومور (۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳)

اوکراین در سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۳ هولودومور (نابودی با گرسنگی) را تجربه کرد که یک قحطی دست‌ساز در جمهوری سوسیالیست شوروی اوکراین بود که باعث کشته‌شدن ۷٫۵ میلیون نفر اوکراینی شد. در طول این قحطی، که به نام‌های «ترور-قحطی در اوکراین» و «قحطی-نسل‌کشی در اوکراین» نیز شناخته می‌شود، میلیون‌ها شهروند اتحاد جماهیر شوروی اوکراین که اکثریت آن‌ها قومیتی اوکراینی داشتند، در یک فاجعه بی‌سابقه در زمان صلح، از گرسنگی جان باختند. محققان در مورد اهمیت نسبی عوامل طبیعی و سیاست‌های بد اقتصادی به‌عنوان عوامل قحطی، و درجه‌ای که نابودی دهقانان اوکراینی توسط رهبران شوروی از پیش طراحی شده بود، اختلاف نظر دارند. قحطی هولودومور به بسیاری از جمهوری‌های شوروی از جمله روسیه و قزاقستان گسترش یافت. در غیاب شواهد مستندی از آن، محققان همچنین استدلال کرده‌اند که هولودومور ناشی از مشکلات اقتصادی مرتبط با تغییرات بنیادین اعمال شده در دوره انحلال مالکیت خصوصی و صنعتی‌سازی شوروی، همراه با خشکسالی گسترده در اوایل دهه ۱۹۳۰ است. با این حال، در روز ۱۳ ژانویه سال ۲۰۱۰، دادگاه استیناف کی‌یف پس از مرگ استالین، کاگانوویچ، مولوتوف و رهبران شوروی اوکراین، کوسیور و چوبار و دیگر کارمندان را در قحطی هولودومور به نسل‌کشی علیه اوکراینی‌ها متهم کرد.

### اوکراین چگونه خلع سلاح هسته‌ای شد؟ (دهه ۱۹۹۰)

پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین استقلال خود را به دست آورد و سومین ذخایر



بزرگ هسته ای جهان را به همراه ابزارهای قابل توجه طراحی و تولید خود به ارث برد. این کشور دارای ۱۳۰ موشک بالستیک قاره پیمای (ICBM) UR-۱۰۰N با شش کلاهک، ۴۶ موشک RT-۲۳ Molodets با ده کلاهک و همچنین ۳۳ بمب افکن سنگین بود که در مجموع حدود ۱۷۰۰ کلاهک در خاک اوکراین باقی مانده است. اوکراین کنترل فیزیکی تسلیحات را در اختیار داشت، اما فاقد کنترل عملیاتی بود، زیرا آن‌ها به پیوندهای اقدام الکترونیکی تحت کنترل روسیه و سیستم فرماندهی آن وابسته بودند. در سال ۱۹۹۲، اوکراین با حذف داوطلبانه بیش از ۳۰۰۰ سلاح هسته‌ای تاکتیکی موافقت کرد. پس از امضای یادداشت سال ۱۹۹۴ بوداپست در مورد تضمین‌های امنیتی بین آمریکا، بریتانیا و روسیه، و همچنین توافق نامه‌های مشابه با فرانسه و چین، اوکراین موافقت کرد که بقیه سلاح‌های هسته‌ای خود را نابود کند و به معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای بپیوندد. تا سال ۱۹۹۶، اوکراین تمام کلاهک‌های استراتژیک دوران شوروی را به روسیه منتقل کرد.

### بازخوانی چند مناقشه نظامی و اقتصادی بین اوکراین و روسیه

دومین مناقشه بزرگ سال‌های اولیه بر سر سرنوشت ناوگان دریای سیاه و همچنین پایگاه‌های عملیاتی آن، عمدتاً سواستوپل در شبه جزیره کریمه بود. این موضوع با موضع گیری‌های سیاسی، اعلام اوکراین مبنی بر اینکه کل ناوگان تحت صلاحیت روسیه و اقدام عضویت در ناتو است، تشدید شد، و به دنبال آن سیاستمداران روسی ادعاهای ارضی خود را در مورد بخش‌هایی از کریمه ابراز کردند و پارلمان روسیه اعلام کرد که اعطا کریمه به اوکراین غیرقانونی بود و شبه جزیره را به موضوعی دائمی در مذاکرات تبدیل نمود. عمل انتقال بر عهده نیکیتا خروشچف، دبیر اول حزب کمونیست بود. پس از چندین سال مذاکره فشرده، کل موضوع در سال ۱۹۹۷ حل شد. پیمان تقسیم ناوگان را تقسیم کرد و به روسیه اجازه داد تا برخی از پایگاه‌های دریایی در سواستوپل را تا سال ۲۰۱۷ به نیروی دریایی روسیه اجاره دهد و معاهده دوستی، اصل مشارکت استراتژیک را ثابت کرد. یکی دیگر از اختلافات عمده مربوط به تامین انرژی بود، زیرا چندین خط لوله نفت و گاز شوروی-اروپای غربی از اوکراین عبور می‌کرد. بعداً پس از اجرایی شدن معاهدات جدید، بدهی معوقه گاز اوکراین به روسیه با انتقال برخی از تسلیحات هسته‌ای که اوکراین از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده بود، به روسیه مانند بمب افکن‌های استراتژیک Tu-۱۶۰ پرداخت شد.



در حالی که سهم روسیه در صادرات اوکراین از ۲۶,۲ درصد در سال ۱۹۹۷ به حدود ۲۳ درصد در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۰ کاهش یافت، سهم واردات در ۴۵ تا ۵۰ درصد کل ثابت ماند. به طور کلی، بین یک سوم تا نیمی از تجارت اوکراین با فدراسیون روسیه بود. وابستگی به ویژه در انرژی قوی بود. حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد گاز مصرفی سالانه و نزدیک به ۸۰ درصد نفت از روسیه تامین می‌شود. در بخش صادرات نیز، وابستگی قابل توجه بود. روسیه بازار اصلی اوکراین برای فلزات آهنی، ورق و لوله های فولادی، ماشین آلات الکتریکی، تجهیزات، مواد غذایی و محصولات صنایع شیمیایی باقی ماند. این بازار امیدی برای کالاهای با ارزش افزوده بالای اوکراین بوده است، که بیش از نه دهم آن از نظر تاریخی به مصرف کنندگان روسی گره خورده است.

با از بین رفتن خریداران قدیمی تا سال ۱۹۹۷، اوکراین ۹۷ تا ۹۹ درصد کاهش در تولید ماشین‌های صنعتی با سیستم‌های کنترل دیجیتال، تلویزیون، ضبط صوت، بیل مکانیکی، اتومبیل و کامیون را تجربه کرد. در همان زمان و با وجود رکود پساکمونستی، روسیه پس از آمریکا، هلند و آلمان به عنوان چهارمین سرمایه‌گذار بزرگ در اقتصاد اوکراین شناخته شد و از مجموع ۲,۰۴۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اوکراین، ۱۵۰,۶ میلیون دلار را به خود اختصاص داد.

### دهه ۲۰۰۰ و شروع اختلافات انتخاباتی

اگرچه اختلافات قبل از انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در سال ۲۰۰۴ وجود داشت، از جمله گمانه زنی‌ها در مورد سرنگونی تصادفی هواپیمای روسی توسط ارتش اوکراین و مناقشه با جزیره توزلا، روابط با روسیه در سال‌های آخر لئونید کوچما بهبود یافت. در سال ۲۰۰۲، دولت روسیه در تامین مالی ساخت نیروگاه های هسته‌ای مشارکت کرد. در سال ۲۰۰۳، روسیه کوشید تا اوکراین را در یک فضای اقتصادی واحد جدید با خود ادغام کند. با این حال، با روی کار آمدن رئیس جمهور ویکتور یوشچنکو، مشکلات متعددی از جمله اختلافات گازی روسیه و اوکراین به دلیل همکاری فزاینده اوکراین با اتحادیه اروپا و تلاش برای پیوستن به ناتو دوباره ظاهر شد.

برداشت کلی از روابط با روسیه در اوکراین تا حد زیادی بر اساس عوامل منطقه‌ای متفاوت است. بسیاری از نواحی شرقی و جنوبی روسی زبان، که محل زندگی اکثر مهاجران روسی در اوکراین است، از روابط نزدیکتر با روسیه استقبال می‌کنند. با این حال، مناطق مرکزی





و به‌ویژه غربی اوکراین نسبت به ایده پیوند تاریخی با روسیه و اتحاد جماهیر شوروی تمایلی نشان ندادند.

در فوریه ۲۰۰۸، روسیه به طور یکجانبه از توافقنامه بین دولتی اوکراین و روسیه درباره مرکز اصلی هشدار حمله موشکی خارج شد که در سال ۱۹۹۷ به امضا رسید.

در طول جنگ روسیه و گرجستان، روابط بین اوکراین و روسیه به دلیل حمایت اوکراین و فروش تسلیحات به گرجستان و همچنین مقررات جدید اوکراین برای ناوگان دریای سیاه روسیه، که کشتی‌ها و تفنگداران دریایی را به جنگ فرستاد، تیره شد.

اختلافات بیشتر بر سر موضع در مورد گرجستان و روابط با روسیه از جمله موضوعاتی بود که ائتلاف بلوک دفاع از خود اوکراین و مردم به علاوه بلوک یولیا تیموشنکو را در پارلمان اوکراین در سپتامبر ۲۰۰۸ سرنگون کرد.

در ۲ اکتبر ۲۰۰۸، ولادیمیر پوتین، نخست وزیر روسیه، اوکراین را به تامین تسلیحات به گرجستان در طول جنگ اوستیای جنوبی متهم کرد. پوتین همچنین مدعی شد که مسکو شواهدی در اختیار دارد که نشان می دهد کارشناسان نظامی اوکراین در طول جنگ در منطقه درگیری حضور داشتند. اوکراین این اتهامات را رد کرده است. رئیس شرکت صادرات تسلیحات دولتی آن، گفت که هیچ سلاحی در طول جنگ فروخته نشده است و یوری یکانوروف، وزیر دفاع، جنگیدن پرسنل نظامی اوکراین در کنار گرجستان را رد کرد. الکساندر مدودکو، دادستان کل اوکراین در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹ تأیید کرد که هیچ پرسنلی از نیروهای مسلح اوکراین در جنگ اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ شرکت نکرده، سلاح یا تجهیزات نظامی نیروهای مسلح اوکراین در درگیری حضور نداشته، و هیچ کمکی به سمت گرجستان صورت نگرفته است. همچنین در این بیانیه مقامات اوکراینی اطلاع دادند که انتقال بین المللی تجهیزات تخصصی نظامی بین اوکراین و گرجستان طی سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ مطابق با قراردادهای تعیین شده قبلی، قوانین اوکراین و معاهدات بین المللی انجام شده است.

آمریکا از تلاش اوکراین برای پیوستن به ناتو در ژانویه ۲۰۰۸ به عنوان تلاشی برای دستیابی به برنامه اقدام عضویت در ناتو حمایت کرد. روسیه با هرگونه چشم انداز عضویت اوکراین و گرجستان به عضویت ناتو مخالفت کرد. بر اساس متن ادعایی سخنان پوتین در نشست سال ۲۰۰۸ شورای ناتو-روسیه در بخارست، پوتین از مسئولیت روسیه در قبال روس‌های قومی ساکن در اوکراین صحبت کرد و از شرکای خود در ناتو خواست تا عاقلانه عمل کنند.



بر اساس برخی گزارش‌های رسانه‌ها، او سپس به طور خصوصی به همتای آمریکایی خود اشاره کرد که احتمال از دست دادن یکپارچگی اوکراین در صورت پیوستن به ناتو وجود دارد. بر اساس سندی که در اسناد دیپلماتیک آمریکا درز کرده است، پوتین به طور ضمنی تمامیت ارضی اوکراین را به چالش کشیده است، و نشان می‌دهد که اوکراین یک مخلوق مصنوعی است که از قلمرو لهستان، جمهوری چک، رومانی، و به ویژه روسیه پس از جنگ جهانی دوم ساخته شده است.

طی مناقشه ژانویه ۲۰۰۹ بر سر قیمت گاز طبیعی، صادرات گاز طبیعی روسیه از طریق اوکراین بسته شد. روابط زمانی بدتر شد که نخست وزیر روسیه پوتین در جریان این مناقشه گفت که رهبری سیاسی اوکراین ناتوانی خود را در حل مشکلات اقتصادی نشان می‌دهد و وضعیت، جرم انگاری شدید مقامات [اوکراین] را برجسته می‌کند. در طول درگیری، رسانه‌های روسی تقریباً به طور یکسان اوکراین را به عنوان یک دولت متجاوز و حریص معرفی کردند که می‌خواهد با دشمنان روسیه متحد شود و از گاز ارزان روسیه بهره برداری کند.

پس از اعلام «طرح اصلی» برای نوسازی زیرساخت گاز طبیعی اوکراین بین اتحادیه اروپا و اوکراین (در ۲۳ مارس ۲۰۰۹)، سرگئی شماتکو، وزیر انرژی روسیه در یک کنفرانس سرمایه‌گذاری گفت که به نظر می‌رسد این طرح اوکراین را از نظر قانونی به اتحادیه اروپا نزدیک‌تر می‌کند. و ممکن است به منافع مسکو آسیب برساند. به گفته پوتین بحث درباره چنین موضوعاتی بدون تامین‌کننده اصلی جدی نیست.

در ۱۱ اگوست ۲۰۰۹، دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه، وبلاگی ویدئویی در وب سایت Kremlin.ru و وبلاگ رسمی کرملین LiveJournal منتشر کرد، که در آن از یوشچنکو به خاطر مسئولیت رئیس‌جمهور اوکراین در تیره شدن روابط روسیه و اوکراین و موضع ضد روسی مقامات فعلی اوکراین انتقاد کرد. مدودف گفت که تا زمانی که روابط بهبود نیابد، سفیر جدیدی به اوکراین اعزام نخواهد کرد. در پاسخ، یوشچنکو نامه‌ای نوشت که در آن متذکر شد که با مشکل روابط اوکراین و روسیه موافق نیست و متعجب است که چرا رئیس‌جمهور روسیه به طور کامل مسئولیت روسیه را در این زمینه رد کرد.

تحلیلگران گفتند که پیام مدودف زمان بندی شده بود تا بر کمپین انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در سال ۲۰۱۰ تأثیر بگذارد. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در مورد پیام مدودف به همتای اوکراینی خود یوشنکو، گفت: برای اوکراین و روسیه مهم است که روابط سازنده داشته باشند. اوکراین این حق را دارد که خودش انتخاب کند و به ناتو



بپیوند.

در ۷ اکتبر ۲۰۰۹، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، گفت که دولت روسیه می‌خواهد شاهد حاکمیت اقتصاد در روابط روسیه و اوکراین باشد و اگر دو کشور سرمایه‌گذاری مشترک ایجاد کنند، به ویژه در تجارت‌های کوچک و متوسط، روابط بین دو کشور بهبود خواهد یافت. در همان جلسه در خارکف، لاوروف گفت که دولت روسیه به پیشنهاد اوکراین برای سازماندهی دیدار بین روسای جمهور روسیه و اوکراین پاسخی نخواهد داد، اما تماس‌ها بین وزارتخانه‌های خارجه دو کشور دائماً حفظ می‌شود.

در ۲ دسامبر ۲۰۰۹، پترو پوروشنکو، وزیر امور خارجه اوکراین و لاوروف بر سر کنار گذاشتن تدریجی فهرست افراد ممنوع شده از ورود به کشورهایشان توافق کردند. به گفته تاراس کوزیو، ویکتور یانوکویچ طرفدار روسیه و نئوشوروی بود که در اوکراین انتخاب شد. از زمان انتخابش، او تمام خواسته‌هایی را که دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه در نامه‌اش به رئیس‌جمهور سابق ویکتور یوشچنکو در آگوست ۲۰۰۹ نوشته بود، برآورده کرد.

در ۲۲ آوریل ۲۰۱۰، رؤسای جمهور ویکتور یانوکویچ و دیمیتری مدودف توافق نامه ای را در مورد اجاره پایگاه نیروی دریایی روسیه در سواستوپل در ۲۵ سال آینده برای تخفیف گاز طبیعی امضا کردند. قرارداد تمدید اجاره در داخل و خارج از اوکراین بسیار بحث برانگیز بود.

در ۱۷ می ۲۰۱۰، دیمیتری مدودف در یک سفر دو روزه وارد کیف شد. به گزارش ریانووستی، او امیدوار بود توافق نامه‌های همکاری در مشکلات بین منطقه‌ای و بین‌المللی امضا کند. آندری کلیویف، معاون اول نخست‌وزیر، در تحقیقات رسمی در رادای ورخوننا نیز به این موضوع اشاره کرد. به گفته برخی از خبرگزاری‌ها، هدف اصلی این سفر حل اختلافات در روابط روسیه و اوکراین پس از توافق ویکتور یانوکویچ بر ادغام جزئی گازپروم و نفت گاز بود.

در ۱۴ می ۲۰۱۳، سرباز ناشناس سرویس اطلاعاتی سرگئی رازوموفسکی، رهبر انجمن افسران بی‌خانمان سراسر اوکراین، خواستار ایجاد تیپ‌های داوطلب بین‌المللی اوکراینی-روسی در حمایت از بشار اسد برای مبارزه با شورشیان شد. یکی از دلایل روزوموفسکی برای ایجاد چنین تیپ‌هایی، این واقعیت است که دولت اوکراین از افسران خود پشتیبانی نمی‌کند. به همین دلیل، او قصد دارد برای شهروندی سوریه درخواست دهد. در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۳ در نزدیکی سواحل روسیه دریای آزوف که به‌عنوان آب‌های داخلی



روسیه و اوکراین در نظر گرفته می‌شود، قایق گشتی گارد ساحلی روسیه با یک کشتی ماهیگیری اوکراینی برخورد کرد. چهار ماهیگیر جان خود را از دست دادند. در حالی که یکی از آن‌ها توسط مقامات روسی به اتهام شکار غیرقانونی بازداشت شد. به گفته ماهیگیر بازمانده، قایق آن‌ها توسط روس‌ها مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به ماهیگیران نیز تیراندازی شد، در حالی که سازمان مجری قانون روسیه مدعی شد که این شکارچیان غیرمجاز بودند که سعی کردند به کشتی گشتی ضربه بزنند. وزیر دادگستری اوکراین اولنا لوکاش اذعان کرد که روسیه صلاحیتی برای پیگرد قانونی شهروند بازداشت شده اوکراینی ندارد.

به گفته همسر ماهیگیر بازمانده، کنسول اوکراین در روسیه در ارائه هرگونه حمایتی در این زمینه بسیار منفعل بود. انتظار می‌رفت که ماهیگیر قبل از ۱۲ آگوست ۲۰۱۳ به اوکراین آزاد شود، اما دادستانی روسیه تصمیم گرفت که اوکراینی را در روسیه بازداشت کند. حادثه دیگری در مرز استان‌های بلگورود و لوهانسک رخ داد که یک راننده تراکتور روسی ظاهراً سرخورده تصمیم گرفت به همراه دو دوستش در ۲۸ آگوست ۲۰۱۳ از مرز اوکراین عبور کند. برخلاف حادثه آروف که یک ماه قبل در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۳ رخ داد، سرویس مرزی دولتی اوکراین، شهروندان روسیه را بلافاصله به مقامات روسیه تحویل داد. تراکتور بلاروس را بردند و به وزارت درآمد و وظایف تحویل دادند.

### ادغام اقتصادی و یورومیدان

در سال ۲۰۱۳، اوکراین وضعیت ناظر را در اتحادیه گمرکی بلاروس، قزاقستان و روسیه به رهبری روسیه دنبال کرد، و به حرکت در کنار توافقنامه ارتباط با اتحادیه اروپا، که قرار بود در نوامبر امضا شود، ادامه داد.

در ۱۴ آگوست ۲۰۱۳، خدمات گمرکی روسیه تمام کالاهایی که از اوکراین می‌آمدند را متوقف کرد. برخی از سیاستمداران آن را آغاز جنگ تجاری علیه اوکراین برای جلوگیری از امضای توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا دانستند. به گفته پاولو کلیمکین، یکی از مذاکره کنندگان اوکراینی توافقنامه انجمن، در ابتدا روس‌ها باور نداشتند که توافقنامه ارتباط با اتحادیه اروپا محقق شود. آن‌ها به توانایی ما برای مذاکره برای یک توافق خوب اعتقاد نداشتند.

در سپتامبر ۲۰۱۳، روسیه به اوکراین هشدار داد که اگر به توافق برنامه ریزی شده در مورد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا ادامه دهد، با فاجعه مالی و احتمالاً فروپاشی دولت روبرو خواهد شد.



سرگئی گلایزف، مشاور رئیس جمهور ولادیمیر پوتین، گفت: «مقامات اوکراین اگر فکر کنند که واکنش روسیه در چند سال آینده بی طرف خواهد شد، اشتباه بزرگی مرتکب می شوند. این اتفاق نخواهد افتاد.» روسیه قبلاً محدودیت‌هایی برای واردات برخی از محصولات اوکراینی اعمال کرده بود و گلایزف امکان ظهور جنبش‌های جدایی‌طلب در شرق و جنوب اوکراین را فراهم کرد. در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳، یانوکوویچ مقدمات امضای توافقنامه اتحادیه اروپا را به حالت تعلیق درآورد تا به دنبال روابط اقتصادی نزدیکتر با روسیه باشد. در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳، ولادیمیر پوتین موافقت کرد که به اوکراین ۱۵ میلیارد دلار کمک مالی و ۳۳ درصد تخفیف در گاز طبیعی دهد. این معاهده در بحبوحه اعتراضات گسترده برای روابط نزدیکتر بین اوکراین و اتحادیه اروپا امضا شد.

### الحاق کریمه و جنگ در شرق اوکراین

بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ در جمهوری خودمختار کریمه، پس از انقلاب فوریه ۲۰۱۴ اوکراین، آشکار شد. تظاهرات توسط گروه‌هایی عمدتاً روس‌های قومی تشکیل شده بود که مخالف وقایع کیف و خواستار روابط نزدیک یا ادغام با روسیه بودند. گروه‌های دیگر از جمله تاتارهای کریمه در حمایت از انقلاب تظاهرات کردند. در ۲۷ فوریه، مردان نظامی ناشناس که نقاب داشتند تعدادی ساختمان مهم در کریمه از جمله ساختمان پارلمان و دو فرودگاه را تصرف نمودند. شورای عالی کریمه تحت محاصره، دولت جمهوری خودمختار را برکنار و سرگئی آکسیونوف را جایگزین رئیس شورای وزیران کریمه، آناتولی موهیلیوف کرد.

اوکراین روسیه را به مداخله در امور داخلی متهم ساخت، در حالی که طرف روسی رسماً چنین ادعایی را رد کرد. در پاسخ به این بحران، پارلمان اوکراین از امضاکنندگان تفاهم نامه بوداپست درخواست کرد تا بر پایداری خود به اصول مندرج در توافقنامه سیاسی تأکید و همچنین از آن‌ها خواست تا برای کاهش تنش‌ها با اوکراین رایزنی کنند.

در ۱ مارچ، پارلمان روسیه به رئیس جمهور ولادیمیر پوتین اختیار استفاده از نیروی نظامی در اوکراین را داد. در همان روز، الکساندر تورچینوف، رئیس جمهور موقت اوکراین، انتصاب نخست وزیر کریمه را خلاف قانون اساسی اعلام کرد. او گفت: «ما رفتار فدراسیون روسیه را تجاوز مستقیم به حاکمیت اوکراین می‌دانیم.»

در اواسط ماه مارچ، پس از یک همه پرسی محلی مورد مناقشه، روسیه کریمه را به‌عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخت و اقدام به الحاق رسمی شبه جزیره کرد. وزارت امور خارجه اوکراین، رئیس موقت روسیه در اوکراین را احضار کرد تا یادداشت اعتراضی علیه به رسمیت



شناختن جمهوری کریمه از سوی روسیه و الحاق متعاقب آن را ارائه کند. دو روز بعد، ورخوفنا رادا این معاهده را محکوم کرد و اقدامات روسیه را نقض فاحش قوانین بین‌المللی خواند. اوکراین با تحریم‌هایی علیه روسیه و مسدود کردن دارایی‌های افراد و نهادهای مرتبط با الحاق واکنش نشان داد. کمپینی را برای عدم خرید محصولات روسی و سایر کشورهای حامی موضع اوکراین آغاز کرد. روسیه با اقدامات مشابهی علیه اوکراین و حامیانش پاسخ داد، اما فهرست افراد یا نهادهای تحریم شده را به طور علنی فاش نکرد.

در ۱۹ مارچ ۲۰۱۴ تمام نیروهای مسلح اوکراین از کریمه خارج شدند. در ۸ آوریل ۲۰۱۴ توافقنامه ای بین روسیه و اوکراین برای بازگرداندن کشتی‌های بازداشت شده به اوکراین حاصل شد. روسیه ۳۵ کشتی را که در جریان الحاق کریمه توقیف شده بود، بازگرداند. در ۲۷ مارچ ۲۰۱۶، دیمیتری کوزاک برای تقویت روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کریمه با روسیه منصوب شد.

در ۱۴ آوریل، رئیس جمهور روسیه پوتین اعلام کرد که یک حساب روپلی در بانک روسیا باز و آن را به بانک اصلی در کریمه جدید الحاق شده تبدیل می‌کند و همچنین حق پرداخت خدمات در بازار ۳۶ میلیارد دلاری عمده فروشی برق روسیه را می‌دهد.

در مارچ و آوریل ۲۰۱۴، ناآرامی‌های طرفدار روسیه در اوکراین گسترش یافت. در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۴ پرواز شماره ۱۷ خطوط هوایی مالزی توسط یک موشک زمین به هوای بوک از جانب مناطق تحت کنترل جدایی طلبان طرفدار روسیه در اوکراین سرنگون شد. همه ۲۸۳ مسافر و ۱۵ خدمه آن کشته شدند.

درگیری‌های نظامی بین شورشیان طرفدار روسیه و نیروهای مسلح اوکراین در منطقه دونباس در آوریل ۲۰۱۴ آغاز شد. در ۵ سپتامبر ۲۰۱۴ دولت اوکراین و نمایندگان جمهوری خودخوانده مردم دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک آتش بس آزمایشی امضا کردند. آتش بس در ژانویه ۲۰۱۵ در بحبوحه نبردهای شدید جدید با شکست مواجه شد. یک توافق آتش بس جدید از اواسط فوریه ۲۰۱۵ به اجرا در آمد، اما نتوانست جنگ را متوقف کند.

روسیه از سوی ناتو و اوکراین به مشارکت در عملیات نظامی مستقیم برای حمایت از جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک متهم شده است. روسیه این موضوع را انکار می‌کند، اما در دسامبر ۲۰۱۵، ولادیمیر پوتین، اعتراف کرد که افسران اطلاعاتی ارتش روسیه در اوکراین فعالیت می‌کنند، هرچند اصرار داشت که آن‌ها مشابه نیروهای عادی نیستند. روسیه گفته است که «داوطلبان» روسی به جدایی طلبان جمهوری خلق کمک می‌کنند.



در جلسه ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ مجمع پارلمانی شورای اروپا، رئیس جمهور اوکراین، پترو پوروشنکو اظهار داشت که روابط دوجانبه با روسیه قابل عادی سازی نیست مگر اینکه روسیه الحاق یکجانبه کریمه خود را لغو کند و کنترل آن را به اوکراین بازگرداند. در فوریه ۲۰۱۵، اوکراین به توافقنامه ۱۹۹۷ پایان داد که روس‌ها می‌توانند با شناسه داخلی به جای پاسپورت مسافرتی وارد اوکراین شوند.

در فوریه ۲۰۱۵، قانون «حفاظت از فضای تلویزیونی و رادیویی اطلاعات اوکراین»، ممنوعیت نمایش «آثار سمعی و بصری» که حاوی «محبوب سازی، تحریک، تبلیغ هر گونه اقدام سازمان‌های مجری قانون، نیروهای مسلح است، تصویب شد.

در ماه می ۲۰۱۵، اوکراین قرارداد همکاری نظامی با روسیه را به حالت تعلیق درآورد. پس از فروپاشی روابط تجاری متقابل، اوکراین نیز عرضه قطعاتی را که در تولید تجهیزات نظامی توسط روسیه استفاده می‌شد، متوقف کرد. در ماه آگوست، روسیه اعلام کرد که واردات کالاهای کشاورزی اوکراین از ژانویه ۲۰۱۶ ممنوع می‌شود. در اکتبر ۲۰۱۵، اوکراین تمام پروازهای مستقیم بین اوکراین و روسیه را ممنوع ساخت.

در نوامبر ۲۰۱۵، اوکراین فضای هوایی خود را به روی تمام هواپیماهای نظامی و غیرنظامی روسیه بست. در دسامبر ۲۰۱۵، قانونگذاران اوکراینی به تحریم تجاری روسیه در تلافی لغو منطقه آزاد تجاری دو کشور و ممنوعیت واردات مواد غذایی به دلیل اجرایی شدن توافق تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و اوکراین رای دادند. روسیه از ژانویه ۲۰۱۶ بر روی کالاهای اوکراینی تعرفه اعمال می‌کند، زیرا اوکراین به منطقه عمیق و جامع تجارت آزاد با اتحادیه اروپا می‌پیوندد. از سال ۲۰۱۵، اوکراین ورود هنرمندان روسی به اوکراین و همچنین ممنوعیت سایر آثار فرهنگی روسی را از روسیه ممنوع کرده است، زیرا آن‌ها «تهدیدی برای امنیت ملی» تلقی می‌شوند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در پاسخ گفت که «مسکو نباید مانند کیف باشد» و نباید «لیست سیاه» و محدودیت‌هایی را برای شخصیت‌های فرهنگی اوکراین اعمال کند. لاوروف اضافه کرد که تولیدکنندگان روسی و صنعت فیلم باید هنگام اجرای پروژه‌های فرهنگی «حملات غیردوستانه بازیگران خارجی در روسیه» را در نظر بگیرند.

طبق گزارش سرویس گارد مرزی دولتی اوکراین، تعداد شهروندان روسی که از مرز روسیه و اوکراین عبور کردند (بیش از ۲٫۵ میلیون روس در سال ۲۰۱۴) تقریباً ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت. در ۵ اکتبر ۲۰۱۶، وزارت امور خارجه اوکراین رسماً توصیه کرد که شهروندان این کشور باید از سفر به روسیه خودداری کنند زیرا مجریان قانون روسیه دستگیری‌های بی‌اساس شهروندان اوکراینی را انجام می‌دهند و آن‌ها اغلب با اوکراینی‌ها رفتار گستاخانه‌ای دارند.



